



تولد و مرگ



حضرت آ.ج. بهاکتی ودانتا سوامی پرابھوپاد
آچاریای بنیان گذار انجمن بین المللی کریشنا آگاهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آن سوی تولد و مرگ

حضرت آ.چ. بھاکتی ودانتا سوامی پرابھوپادا



فهرست

- فصل اول: ما این بدن‌ها نیستیم ۱
- فصل دوم: صعود در لحظه‌ی مرگ ۱۲
- فصل سوم: رهایی از کرات مادی ۲۳
- فصل چهارم: آسمان آن‌سوی جهان ۳۰
- فصل پنجم: معاشرت با کریشنا ۴۲
- درباره‌ی نویسنده ۵۰
- واژه‌نامه ۵۳

فصل اول

ما این بدن‌ها نیستیم

*dehī nityam avadhyo 'yaṁ
dehe sarvasya bhārata
tasmāt sarvāṇi bhūtāni
na tvam śocitum arhasi*

"ای نواده‌ی بهاراتا، هرگز نمی‌توان آن کسی را که در بدن سکونت دارد و جاودانی است از بین برد. پس، نباید برای هیچ موجودی غم و اندوه به دل راه دهی." (ب.گ. ۳۰/۲)

اولین قدم در خودشناسی، شناخت خود به عنوان هویتی جدا از بدن است. ادراک اینکه "من این بدن نیستم، بلکه روح هستم" برای هر فردی که بخواهد بر مرگ فائق آید و وارد عالم روحانی ماوراء گردد، بسیار لازم است. کافی نیست که بگوییم "من این بدن نیستم"، بلکه ادراک واقعی آن لازم است. درک این مطلب آن قدر که در آغاز به نظر می‌رسد ساده نیست. اگرچه ما این بدن‌ها نیستیم و آگاهی خالص هستیم، ولی به هر صورت در این کالبد مادی قرار گرفته‌ایم. اگر واقعاً طالب خوشبختی و استقلالی باشیم که در ورای مرگ قرار دارد، باید خود را در موقعیت اصلی و فطری خویش، یعنی آگاهی خالص و پاک، استوار سازیم و در آن باقی بمانیم.

تصور ما از خوشبختی با این دیدگاه مادی از حیات، مانند درک کسی است که در هذیان به سر می‌برد. برخی فلاسفه ادعا می‌کنند که این حالت هذیان، یعنی هم‌هویت دانستن خود با بدن، باید با دست کشیدن از هر نوع عمل مداوا گردد. آنان بر این عقیده هستند که چون فعالیت‌های مادی برای ما منشاء گرفتاری و رنج است، باید دست از این

فعالیت‌ها برداشت. کمال برای آنان مانند نوعی نیروانای بوداییان است که در آن هیچ فعالیتی صورت نمی‌گیرد. بودا عنوان می‌کرد که این بدن حاصل ترکیبی از عناصر مادی است و اگر به طریقی این عناصر مادی تجزیه و یا متلاشی شوند، علت رنج از میان می‌رود. اگر مأموران مالیات به علت اینکه ما صاحب خانه‌ی بزرگی هستیم برایمان مشکلات فراوانی بوجود می‌آورند، یک راه حل ساده این است که منزل را از بین ببریم. ولی بهاگاودگیتا بیان می‌دارد که این بدن مادی همه چیز نیست. در ورای این مجموعه‌ی عناصر مادی، روح وجود دارد و نشانه‌ی وجود روح، آگاهی است.

آگاهی را نمی‌توان انکار کرد. بدن بدون آگاهی، بدنی مرده است. به محض اینکه آگاهی بدن را ترک کند، زبان سخن نمی‌گوید، چشم نمی‌بیند و گوش نمی‌شنود. یک بچه هم می‌تواند این مطلب را درک کند. این حقیقتی است که برای حرکت این کالبد جسمانی، وجود آگاهی به طور قطع لازم است. این آگاهی چیست؟ همان‌طور که حرارت و دود نشانه‌های آتش هستند، آگاهی نیز نشانه‌ی روح است. انرژی روح یا ذات، به شکل آگاهی متجلی می‌گردد. در واقع آگاهی اثبات می‌کند که روح وجود دارد. این نه تنها فلسفه‌ی بهاگاودگیتا، بلکه نتیجه‌گیری تمام متون مقدس ودایی است.

پیروان بی‌هویت‌گرای شانکاراچاریا^۱ نیز مانند وایشناواهای پیرو سلسله‌ی پیران نشأت‌گرفته از شری کریشنا حقیقت وجود روح را تصدیق می‌کنند، درحالی‌که فلاسفه‌ی بودایی این مطلب را نمی‌پذیرند. بوداییان معتقدند ترکیبات ماده در مرحله‌ی خاصی آگاهی را پدید می‌آورد. ولی بطلان این استدلال واضح است. چون با در اختیار داشتن تمام اجزای مادی تشکیل‌دهنده هم، نمی‌توانیم از آنها آگاهی پدید آوریم. شاید تمام عناصر مادی در انسان مرده‌ای موجود باشد، با این حال نمی‌توانیم او را به آگاهی بازگردانیم. این بدن مثل ماشین نیست که وقتی قسمتی از آن خراب شد بتوان آن را تعویض کرد و ماشین دوباره به کار بیفتد. وقتی بدن از کار می‌افتد و آگاهی آن را ترک می‌کند، هیچ امکانی برای تعویض قسمت خراب‌شده و احیای مجدد آگاهی در آن وجود ندارد. روح با بدن متفاوت است، تا هنگامی که روح حضور دارد بدن جان دارد و حرکت

می‌کند. ولی جان بخشیدن به بدن در غیاب روح به هیچ وجه ممکن نیست. از آنجایی که نمی‌توانیم روح را با حواس زمخت خود ببینیم، آن را نفی می‌کنیم. در حقیقت چیزهای بسیار زیادی هست که نمی‌توانیم ببینیم. ما نمی‌توانیم هوا، امواج رادیویی و یا صدا را رؤیت کنیم، و همچنین نمی‌توانیم باکتری‌ها را به وسیله‌ی حواس محدود خود ببینیم، ولی این بدان معنا نیست که آنها وجود ندارند. با کمک میکروسکوپ و دستگاه‌های دیگر می‌توان چیزهای بسیاری را مشاهده کرد که قبلاً با حواس ناقص ما انکار شده بودند. تنها به این دلیل که تا به حال روح، که از نظر اندازه اتمی است، دیده نشده، نباید چنین نتیجه‌گیری کنیم که وجود ندارد، بلکه می‌توان آن را از نشانه‌ها و آثارش درک کرد.

شری کریشنا^۱ در بهاگاوادگیتا اعلام می‌دارد که تمام رنج‌های ما به‌علت هم‌هویت دانستن کاذب خود با بدن است.

*mātrā-sparśās tu kaunteya
 śītoṣṇa-sukha-duḥkha-dāḥ
 āgamāpāyino 'nityās
 tāms titikṣasva bhārata*

"ای پسر کونتیی، پیدایش موقت شادی و غم و ناپدید شدنشان در زمان خود، همچون پدیدار و ناپدید شدن فصول زمستان و تابستان است. ای نواده‌ی بهاراتا، آنها از ادراک حواس پدید می‌آیند، و انسان باید بیاموزد که بدون آشفته شدن آنها را تحمل نماید." (ب.گ. ۱۴/۲)

ما در تابستان از تماس با آب احساس لذت می‌کنیم، ولی در زمستان از همان آب به علت سرمای زیاد گریزانیم. در هر دو حال آب همان است؛ ولی ما در تماس با بدن خود، آن را لذت‌بخش یا دردناک احساس می‌کنیم.

تمام احساسات شادی و رنج به علت بدن است. بدن و ذهن با قرارگرفتن تحت شرایط خاصی احساس شادی و رنج می‌کنند. در واقع ما مشتاق شادی هستیم، زیرا

۱- Śrī Kṛṣṇa شری پیشوندی است برای تجلیل و احترام، تقریباً معادل «حضرت» در فارسی.

موقعیت اصلی روح شاد بودن است. روح ذره‌ای از وجود حقیقت متعال است، او ساچ-چید-آناندا-ویگراها^۱ یعنی تجلی دانش، شعف و جاودانگی می‌باشد. در حقیقت خود نام کریشنا، که به هیچ فرقه‌ای تعلق ندارد، یعنی "بزرگ‌ترین لذت". "کریش" یعنی بزرگ‌ترین و "نا" یعنی لذت. کریشنا منشاء لذت است و ما هم که اجزا و ذرات لاینفک او هستیم، آرزومند لذتیم. قطره‌ای از اقیانوس تمام خواص اقیانوس را دربردارد، و ما اگرچه ذرات بسیار کوچکی از کل متعال هستیم، همان خواص انرژی متعال را داریم.

گرچه این روح اتمی بسیار کوچک است، ولی قادر است تمام بدن را به صورت شگفت‌انگیز بی‌شماری حرکت دهد. ما روی زمین، شهرها، جاده‌ها، پل‌ها، ساختمان‌های عظیم، بناهای تاریخی و تمدن‌های بزرگی را می‌بینیم، ولی چه کسی تمام این کارها را انجام داده است؟ تمام اینها را آن شراره‌ی روحانی بسیار کوچکی که در بدن سکونت دارد انجام داده است. اگر شراره‌ی روحانی کوچکی بتواند چنین کارهای شگفت‌انگیزی انجام دهد، پس حتی تصور کارهایی که روح متعال قادر است انجام دهد ممکن نیست. اشتیاق طبیعی این شراره‌ی روحانی کوچک رسیدن به صفات آن حقیقت کل یعنی دانش، شعف و جاودانگی است. در حالی که این آرزوها به علت بدن مادی با ناکامی مواجه می‌گردند. معرفت کامل برای رسیدن به خواسته‌ی روح در بهاگاوادگیتا آمده است. ما در حال حاضر در تلاش هستیم که با یک دستگاه ناقص به جاودانگی، شعف و دانش دست یابیم. در واقع، راه پیشرفت ما به سوی این اهداف با بدن مادی بسته می‌شود؛ به همین جهت باید به درک موجودیت خود در ورای این کالبد مادی دست یابیم. دانستن تئوری این که ما این بدن‌ها نیستیم کافی نیست. باید همواره خود را به عنوان ارباب جدا از بدن نگاه داریم، نه این که خادم آن شویم. اگر رانندگی را خوب بدانیم، ماشین به ما خوب خدمت خواهد کرد؛ در غیر این صورت در خطر خواهیم بود.

بدن از حواس تشکیل شده است. حواس همواره تشنه‌ی محسوسات هستند. چشم‌ها، فرد زیبایی را می‌بینند و به ما می‌گویند: "یک دختر زیبا، یک پسر زیبا، برویم ببینیم." گوش‌ها می‌گویند: "چه موسیقی خوبی، برویم بشنویم." زبان می‌گوید: "یک رستوران

بسیار خوب با غذاهای خوشمزه، برویم." بدین ترتیب حواس ما را از جایی به جای دیگر می‌کشند، و به همین دلیل است که همه‌ی ما سرگردان شده‌ایم.

*indriyāṇām hi caratām
yan mano 'nuvidhiyate
tad asya harati prajñām
vāyur nāvam ivāmbhasi*

"همانند بادی قوی که زورقی بر آب را با خود می‌برد، حتی یکی از حواس سرگردان که ذهن بر آن تمرکز یافته نیز می‌تواند شعور انسان را با خود ببرد." (ب.گ. ۶۷/۲)

این بسیار ضروری است که بیاموزیم چگونه حواس خود را کنترل کنیم. لقب "گوسوامی"^۱ به کسی داده می‌شود که آموخته است چگونه ارباب حواس خود باشد. "گو" یعنی حواس و "سوامی" یعنی ارباب و کنترل‌کننده؛ بنابراین کسی که بتواند حواس را کنترل نماید یک گوسوامی محسوب می‌شود. کریشنا می‌گوید کسی که خود را با بدن مادی موقتی یکی می‌داند، نمی‌تواند خود را در هویت حقیقی خویش، به عنوان روح فردی، استوار سازد. لذات بدنی، زودگذر و مست‌کننده هستند و ما نمی‌توانیم از آنها به علت طبیعت بی‌دوامشان واقعاً لذت ببریم. لذت واقعی برای روح است، نه بدن. ما باید زندگی خود را طوری شکل دهیم و برنامه‌ریزی کنیم که با لذات بدنی منحرف نگردیم. اگر به هر صورتی منحرف شویم، نمی‌توانیم آگاهی خود را در هویت حقیقی آن، ورای بدن، استوار سازیم.

*bhogaiśvarya-prasaktānām
tayāpahṛta-cetasām
vyavasāyātmikā buddhiḥ
samādhau na vidhiyate*

*traiguṇya-viṣayā vedā
nistraiguṇyo bhavārjuna
nirdvandvo nitya-sattva-stho
niryoga-kṣema ātmavān*

"در ذهن کسانی که به لذات حسی و ثروت مادی دلبستگی بسیار دارند، که به وسیله‌ی آنها نیز گیج و سردرگم می‌شوند، عزم راسخ برای خدمت عابدانه و خالصانه^۱ به خداوند متعال پدید نمی‌آید. موضوع وادها بیشتر پیرامون سه گونه‌ی طبیعت مادی است. ای آرژونا، در ورای این گونه‌ها قرار گیر. تمام دوگانگی‌ها و نگرانی‌های مربوط به کسب منفعت و امنیت را رها کن و در ذات مستقر شو." (ب.گ. ۴۴/۲-۴۵)

واژه‌ی ودا^۲ یعنی "کتاب دانش". کتب دانش بسیاری وجود دارند که برحسب کشور، مردم، محیط و غیره متفاوتند. به کتب دانش در هندوستان ودا گفته می‌شود، در غرب با عنوان انجیل و تورات خوانده می‌شوند و پیروان حضرت محمد(ص) نیز قرآن را قبول می‌کنند. هدف تمام این کتب دانش چیست؟ این کتاب‌ها به ما تعلیم می‌دهند که موقعیت خود را به عنوان روح پاک درک کنیم. هدف آنها، محدود کردن فعالیت‌های بدنی (مادی) ما از طریق احکام و قوانین معینی است که این قوانین و احکام به عنوان موازین اخلاقی شناخته شده‌اند. برای مثال، انجیل ده فرمان برای تنظیم کردن زندگی دارد. بدن باید کنترل شود تا به بالاترین حد کمال برسیم، و بدون اصول تنظیم‌کننده^۳ ممکن نیست به کمال زندگی نایل شویم. اصول تنظیم‌کننده ممکن است در ممالک مختلف و یا در کتاب‌های مقدس مختلف، متفاوت باشند، ولی این مهم نیست، چرا که آنها طبق مقتضیات زمان و مکان و طرز تفکر خاص مردم پدید آمده‌اند. ولی اساس قواعد تنظیم‌کننده یکسان است. به همین نحو دولت نیز قوانینی وضع می‌کند که تمام مردم باید از آن اطاعت کنند. به هیچ وجه امکان ندارد که در حکومت و یا تمدنی بدون

1- devotional service

2- Veda

3- Regulated Principles

وجود قوانین و مقررات پیشرفتی حاصل گردد. در آیه‌ی بالا شری کریشنا به آرجونا می‌فرماید که اصول تنظیم‌کننده‌ی وداها برای کنترل سه گونه‌ی طبیعت مادی یعنی گونه‌های نیکی، شهوت و جهل (ترایگونیا-ویشایا ودا)^۱ هستند. ولی کریشنا به آرجونا توصیه می‌کند که خود را در موقعیت فطری و پاک خود به عنوان روح در ورای دوگانگی‌های طبیعت مادی استوار سازد.

همان طور که قبلاً اشاره کردیم این دوگانگی‌ها - مانند گرما و سرما، لذت و درد - از تماس حواس با محسوسات پدید می‌آیند. به عبارت دیگر آنها نتیجه‌ی یکی دانستن خود با بدن هستند. کریشنا می‌گوید آنان که وقف کامجویی و قدرت‌طلبی هستند مجذوب آن قسمت از کلام وداها می‌شوند که وعده‌ی لذات بهشتی را از طریق انجام قربانی و اعمال پرهیزکارانه می‌دهد. لذت‌بردن حقی است که ما از بدو تولد داریم، زیرا لذت خصوصیت روح است. ولی روح سعی می‌کند به صورت مادی لذت ببرد و این اشتباه است.

همه برای لذت بردن به دنبال موضوعات مادی می‌روند و تا آنجا که ممکن است دانش گردآوری می‌کنند. یکی هنرمند، دیگری شیمیدان، فیزیکدان، سیاستمدار و یا چیز دیگری می‌شود. همه اندکی درباره‌ی همه چیز، یا همه چیز را درباره‌ی موضوع کوچکی می‌دانند، و این عموماً دانش به حساب می‌آید. ولی به محض ترک این بدن، تمام این دانش از میان می‌رود. ممکن است کسی در زندگی گذشته دانشمند بزرگی بوده باشد، ولی در این زندگی باید دوباره به مدرسه برود و خواندن و نوشتن را از آغاز فرا گیرد. تمام دانشی که در زندگی گذشته کسب شده بود، فراموش می‌شود. موقعیت ما این است که در واقع در جستجوی دانش جاودان هستیم، ولی این دانش با این بدن مادی به دست نمی‌آید. ما همه در جستجوی لذت با این بدن مادی هستیم، ولی لذت بدنی، لذت حقیقی ما نیست؛ بلکه مصنوعی است. باید درک کنیم که اگر بخواهیم به این لذت بردن مصنوعی ادامه دهیم، نخواهیم توانست به موقعیت لذت جاودان خود نائل شویم.

بدن را باید یک وضعیت بیمارگونه دانست. یک بیمار نمی‌تواند درست لذت ببرد. مثلاً

برای بیمار مبتلا به یرقان، شکر تلخ است؛ ولی فرد سالم می‌تواند شیرینی آن را بچشد. در هر دو مورد شکر همان است، ولی براساس وضعیت مان مزه‌های متفاوتی می‌چشیم. تا هنگامی که ما از این ادراک بیمارگونه‌ی زندگی مادی بهبود نیافته‌ایم، نمی‌توانیم شیرینی زندگی روحانی را مزه کنیم. در واقع، آن شیرینی برای ما مزه‌ی تلخی به همراه خواهد داشت. در عین حال با ازدیاد لذات زندگی مادی، وضع بیمارگونه‌ی خود را پیچیده‌تر می‌کنیم. بیمار مبتلا به مالاریا نمی‌تواند غذای جامد بخورد و اگر قدری غذای جامد به او بدهند تا لذت ببرد، و آن را بخورد، بیماری خود را وخیم‌تر می‌کند و زندگی خود را به مخاطره می‌افکند. اگر ما واقعاً آزادی از رنج‌های زندگی مادی را می‌خواهیم باید خواسته‌ها و لذات بدنی خویش را به حداقل برسانیم.

در واقع لذت مادی اصلاً لذت نیست. لذت حقیقی هیچ‌گاه قطع نمی‌شود. در ماه‌بهاراتا^۱ آیه‌ای هست - رامانته یوگینو آنانته^۲ - بدین معنی که یوگی‌ها (یوگینو)، یعنی کسانی که سعی می‌کنند خود را به سطح آگاهی روحانی ارتقاء دهند، به واقع لذت می‌برند (رامانته) و درعین حال لذت آنان پایان‌ناپذیر (آنانته) است. این بدان دلیل است که لذت آنان در رابطه با لذت‌برنده‌ی متعال (راما)^۳ شری‌کریشنا است. "بهاگوان شری کریشنا" لذت‌برنده‌ی حقیقی است و بهاگوادگیتا این امر را تأیید می‌کند:

*bhoktāraṁ yajña-tapasām
sarva-loka-maheśvaram
suhṛdaṁ sarva-bhūtānām
jñātvā mām śāntim ṛcchati*

"شخصی که در آگاهی کامل به من واقع شده است و مرا به عنوان بهره‌برنده‌ی غایی از تمام قربانی‌ها و ریاضت‌ها، خداوند تمام سیارات و فرشتگان و حامی و خیرخواه تمام موجودات زنده می‌شناسد، از رنج‌های شدید مصائب مادی آسوده می‌گردد." (ب.گ. ۲۹/۵)

1- Mahābhārata

2- ramante yogino 'nante

3- Rāma

بهوگا^۱ یعنی لذت، و لذت ما از درک وضع خود به عنوان لذت‌دهنده حاصل می‌شود. لذت‌برنده‌ی حقیقی خداوند متعال است و اوست که از ما لذت می‌برد.

نمونه‌ای از این رابطه را می‌توان در دنیای مادی بین زن و شوهر یافت: شوهر لذت‌برنده است (پوروشا)^۲ و زن آن است که از او لذت برده می‌شود (پراکرتی)^۳. واژه‌ی پری^۴ یعنی زن. پوروشا یا روح، فاعل است؛ و پراکرتی یا طبیعت، مفعول. اما هم زن و هم شوهر هر دو در لذت سهیم می‌شوند. وقتی لذت واقعی وجود دارد، دیگر تمایزی در بین نیست که شوهر بیشتر لذت می‌برد و یا زن کمتر لذت می‌برد. اگرچه مذکر مسلط، و مؤنث تحت تسلط است، ولی هنگامی که موضوع لذت مطرح می‌شود، هیچ فرقی بین آن دو نیست. در مقیاسی گسترده‌تر هیچ موجود زنده‌ای لذت‌برنده نیست.

خداوند خود را به بسیاری بسط داد و آن بسط‌ها ما هستیم. خداوند آن یگانه‌ی بی‌همتا است، ولی او اراده کرد که بسیار شود تا لذت ببرد. این را تجربه کرده‌ایم که تقریباً هیچ لذتی در اینکه در اطاقی تنها بنشینیم و با خود صحبت کنیم وجود ندارد. ولی اگر پنج نفر حضور داشته باشند لذت بیشتری خواهیم برد، و اگر بتوانیم کریشنا را در بین تعداد بسیار زیادی مطرح کنیم لذت به مراتب بسیار بیشتر خواهد شد. لذت یعنی تنوع.

خداوند برای لذت خویش به بسیاری بسط یافت، و بدین ترتیب موقعیت ما چنان است که از ما لذت برده می‌شود. این موقعیت اصلی و هدف آفرینش ما است. هم لذت‌برنده و هم لذت‌دهنده هر دو دارای آگاهی هستند، ولی آگاهی لذت‌دهنده تابع آگاهی لذت‌برنده است. اگرچه کریشنا لذت‌برنده است و ما لذت‌دهنده، با این وجود همه می‌توانند به طور مساوی در لذت بردن شرکت کنند. لذت ما هنگامی می‌تواند به کمال برسد که در لذت خداوند سهیم گردیم. اصلاً امکان این نیست که ما به طور جداگانه در سطح بدنی لذت ببریم. در تمام بهاگاوادگیتا لذت بردن در سطح زمخت بدن (مادی) منع می‌شود:

1- Bhoga

2- puruṣa

3- prakṛti

4- pri

*mātrā-sparśās tu kaunteya
 śītoṣṇa-sukha-duḥkha-dāḥ
 āgamāpāyino 'nityās
 tāms titikṣasva bhārata*

"ای پسر کونتی، پیدایش موقت شادی و غم و ناپدید شدنشان در زمان خود، همچون پدیدار و ناپدید شدن فصول زمستان و تابستان است. ای نواده‌ی بهاراتا، آنها از ادراک حواس پدید می‌آیند، و انسان باید بیاموزد که بدون آشفته شدن آنها را تحمل نماید." (ب.گ. ۱۴/۲)

بدن مادی حاصل فعل و انفعالات گونه‌های طبیعت مادی، و محکوم به زوال است.

*antavanta ime dehā
 nityasyoktāḥ śarīriṇaḥ
 anāśino 'prameyasya
 tasmād yudhyasva bhārata*

"روح، فناناپذیر، ابدی و غیرقابل اندازه‌گیری است. فقط بدن‌های مادی که این روح در اختیار می‌گیرد فناپذیر هستند. پس، حال که این را دانستی، ای نواده‌ی بهاراتا، بجنگ." (ب.گ. ۱۸/۲)

بنابراین شری کریشنا ما را به گذشتن از ادراک مادی حیات و دستیابی به زندگی واقعی روحانی خودمان تشویق می‌کند.

*guṇān etān atītya trīn
 dehī deha-samudbhavān
 janma-mṛtyu jarā-duḥkhair
 vimukto 'mṛtam aśnute*

"هنگامی که موجود جسم‌گرفته قادر شود از این گونه‌های طبیعت که با بدن مادی ترکیب شده است عروج نماید، می‌تواند از تولد، مرگ، پیری و رنج‌های ناشی از آنها آزاد شود و حتی در این زندگی از شهید بهره‌مند گردد." (ب.گ.

برای آنکه خود را در سکوی روحانی برهماپهوتای^۱ خالص، در ماورای سه گونه استوار سازیم باید روند کریشناآگاهی را پی بگیریم. هدیه‌ی چیتانیا ماهاپرابهو^۲ یعنی ذکر هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره / هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره^۳ راه را بسیار آسان می‌کند. این روش، بهاکتی - یوگا^۴ یا مانترا - یوگا^۵ نامیده می‌شود و بزرگ‌ترین عرفا آن را بکار می‌برند. اینکه چگونه عرفا به شناخت هویت خود در آن سوی تولد و مرگ، و در ورای بدن مادی می‌رسند، و خود را از جهان مادی به عوالم روحانی منتقل می‌کنند، موضوع فصول آینده است.

1- brahma-bhūta

2- Caitanya Mahāprabhu

3- Hare Kṛṣṇa, Hare Kṛṣṇa, Kṛṣṇa Kṛṣṇa, Hare Hare/ Hare Rāma, Hare Rāma, Rāma Rāma, Hare Hare

4- bhakti-yoga

5- mantra-yoga

فصل دوم

صعود در لحظه‌ی مرگ

گروه‌های مختلفی از عرفا وجود دارند که یوگی خوانده می‌شوند، مانند: هاتها-یوگی‌ها، گیانا-یوگی‌ها، دهیانا-یوگی‌ها و بهاکتی-یوگی‌ها^۱. و تمام آنان شایسته‌اند که به عالم روحانی انتقال یابند. واژه‌ی یوگا^۲ یعنی "متصل شدن"، و روش‌های یوگایی ما را قادر می‌سازند به جهان روحانی واصل گردیم. همان‌طور که در فصل قبل گفته شد در اصل همه‌ی ما در اتصال با خداوند متعال هستیم، ولی اکنون تحت تأثیر آلودگی مادی قرار گرفته‌ایم. فرآیند این است که ما باید به عالم روحانی بازگردیم و این فرآیند اتصال، یوگا خوانده می‌شود. معنی دیگر واژه‌ی یوگا "به علاوه" است. در حال حاضر ما منهای خداوند یا منهای متعال هستیم. هنگامی که کریشنا، خداوند، را به زندگی خود بیافزاییم، این شکل انسانی حیات کامل می‌گردد.

هنگام مرگ باید این راه کمال را به پایان برسانیم. در طول زندگی باید راه تقرب به آن کمال را تمرین کنیم تا در لحظه‌ی مرگ، یعنی هنگامی که باید این بدن مادی را رها سازیم، به درک آن کمال برسیم.

*prayāṇa-kāle manasācalena
bhaktyā yukto yoga-balena caiva
bhruvor madhye prāṇam āveśya samyak
sa taṁ param puruṣam upaiti divyam*

کسی که هنگام مرگ هوای زندگی‌اش را بین دو ابرو ثابت و متمرکز کند و

1- haṭha-yogīs, jñāna-yogīs, dhyāna-yogīs, bhakti-yogīs

2- yoga

با قدرت یوگا و با ذهنی بدون انحراف خود را وقف به یاد داشتن خداوند متعال در عشق و عبودیت کامل نماید، قطعاً به شخصیت اعلای پروردگار نائل خواهد شد."
(ب.گ. ۱۰/۸)

همان‌طور که یک دانشجو چهار یا پنج سال در موضوعی تحصیل می‌کند و بعد امتحان می‌دهد و مدرک خود را دریافت می‌کند، مشابهاً در موضوع زندگی، ما هم اگر در طول حیات خود برای امتحان لحظه‌ی مرگ تمرین کنیم و در امتحان قبول شویم، به دنیای روحانی انتقال می‌یابیم. تمام زندگی ما در هنگام مرگ مورد امتحان قرار می‌گیرد.

*yam yam vāpi smaran bhāvam
tyajaty ante kalevaram
tam tam evaiti kaunteya
sadā tad-bhāva-bhāvitaḥ*

"ای پسر کوتتی، هر حالتی از وجود را که انسان در هنگام ترک بدن به خاطر آورد، قطعاً به همان حالت نائل خواهد شد." (ب.گ. ۶/۸)

ضرب‌المثل‌ی بنگالی هست که می‌گوید: هر کاری که کسی برای کمال انجام دهد در هنگام مرگش آزمایش خواهد شد. کریشنا در بهاگاوادگیتا شرح می‌دهد که در هنگام رها کردن بدن چه باید کرد. شری کریشنا برای دهیانا-یوگی (یوگی‌ای که مراقبه می‌کند) آیه‌های زیر را بیان می‌فرماید:

*yad akṣaram veda-vido vadanti
viśanti yad yatayo vīta-rāgāḥ
yad icchanto brahmacaryam caranti
tat te padam saṅgrahēṇa pravakṣye*

*sarva-dvārāṇi samyamya
mano hṛdi nirudhya ca
mūrdhny ādhāyātmanah prāṇam
āsthito yoga-dhāraṇām*

"حکمای بزرگ در مرحله‌ی انقطاع که در وداها تبحر دارند و به ذکر اُمکارا^۱ می‌پردازند، وارد برهمن^۲ می‌شوند. اکنون این روش رهایی را که شخص در آرزوی رسیدن به آن، تجرد (عفاف کامل) اختیار می‌کند، برایت به اختصار توضیح خواهم داد. مفهوم یوگا انقطاع از کلیه‌ی اعمال کامجویانه‌ی حسی و شهوانی است. شخص با بستن تمام درهای حواس و متمرکز نمودن ذهن بر قلب و هوای حیات بر نوک سر، خود را در یوگا استوار و پابرجا می‌سازد." (ب.گ. ۱۱/۸-۱۲)

این روش در یوگا، پراتیاهارا^۳ خوانده می‌شود، یعنی: "درست برعکس". اگرچه در طول زندگی چشم‌ها مشغول دیدن زیبایی دنیوی هستند، در هنگام مرگ فرد باید حواس را از اشیای جلب‌کننده‌ی حواس برگیرد و زیبایی درون را ببیند. همچنین گوش‌ها به شنیدن صداهای بسیار زیادی در دنیا عادت کرده‌اند، ولی در لحظه‌ی مرگ فرد باید از درون صدای متعال و روحانی اُمکارا را بشنود.

*om ity ekākṣaram brahma
vyāharan mām anusmaran
yah prayāti tyajan deham
sa yāti paramām gatim*

"اگر کسی پس از قرار گرفتن در این عمل یوگا و به ارتعاش در آوردن هجای مقدس اُم - که ترکیب متعال است - به شخصیت متعال خداوند فکر کند و بدنش را ترک نماید، قطعاً به سیارات روحانی خواهد رسید." (ب.گ. ۱۳/۸)

به این طریق تمام حواس باید از فعالیت‌های بیرونی خود بازداشته شوند و بر ویشنو - مورتی^۴، فرم خداوند، متمرکز شوند. ذهن بسیار آشفته است، ولی باید آن را بر خداوند که در قلب است متمرکز کرد. هنگامی که ذهن درون قلب ثابت می‌گردد و هوای زندگی به نوک سر منتقل می‌گردد، انسان می‌تواند به کمال یوگا نائل شود.

1- omkāra

2- Brahman

3- pratyāhāra

4- viṣṇu-mūrti

در این لحظه یوگی تصمیم می‌گیرد که کجا باید برود. در جهان مادی کرات بیشماری هست؛ و در ورای آن، جهان روحانی وجود دارد. یوگی‌ها از طریق متون ودایی از این مکان‌ها اطلاع دارند. همان‌طور که مسافری که به آمریکا می‌رود می‌تواند با مطالعه‌ی کتاب‌های راهنما ایده‌ای از آنجا به‌دست آورد، به‌همین ترتیب می‌توان با مطالعه‌ی متون ودایی نسبت به سیارات روحانی مطلع شد. یوگی تمام این توصیفات را می‌داند و می‌تواند خود را بدون کمک سفینه‌های فضایی به سیاره‌ی دلخواه انتقال دهد. سفر فضایی با وسایل مکانیکی، روش پذیرفته‌شده‌ای برای صعود به کرات دیگر نیست. شاید با صرف زمان، کار و هزینه‌ی فراوان چند نفری قادر گردند با وسایل مادی (سفینه‌ی فضایی، لباس فضایی و غیره) به کرات دیگر بروند، ولی این روش بسیار طاقت‌فرسا و غیرعملی است، و به هر حال رفتن به ورای دنیای مادی با وسایل مکانیکی ممکن نیست.

روشی که عموماً برای انتقال به سیارات بالاتر پذیرفته شده، انجام یوگای مراقبه^۱ و یا روش گیانا^۲ است. ولی روش بهاکتی-یوگا به منظور انتقال به هیچ یک از کرات مادی نیست. زیرا آنان که خادم خداوند متعال کریشنا هستند، به هیچ یک از کرات دنیای مادی علاقه‌ای ندارند، چراکه می‌دانند وارد هریک از سیارات جهان مادی شوند، چهار اصل تولد، پیری، بیماری و مرگ وجود دارد. طول عمر در کرات بالاتر شاید نسبت به زمین زیادتر باشد، ولی به هر حال مرگ وجود دارد. "جهان مادی" عطف به کراتی است که در آنها تولد، پیری، بیماری و مرگ هست، و منظور از "ملکوت روحانی" کراتی است که در آنها هیچ تولد، پیری، بیماری و مرگی نیست. آنان که خردمند هستند، برای ارتقای به هیچ یک از کرات جهان مادی تلاش نمی‌کنند.

اگر کسی بکوشد با وسایل مکانیکی وارد کرات بالاتر شود، مرگ آنی او تضمین شده است، زیرا بدن نمی‌تواند تغییرات شدید محیطی را تحمل کند. ولی اگر با روش یوگا تلاش کند به کرات بالاتر برود، در این صورت بدن مناسب برای ورود به آنجا را به دست خواهد آورد. ما می‌توانیم این را عملاً روی زمین ببینیم. می‌دانیم که برای ما

1- meditational yoga

2- jñāna

زندگی در دریا، یعنی در اتمسفری آبی، غیرممکن است؛ و همین طور برای موجودات آبی نیز ممکن نیست که در خشکی زندگی کنند. همان طور که در می‌یابیم حتی بر روی این کره‌ی خاکی برای زندگی در هر محل خاص، باید بدن خاصی داشت، به همین ترتیب برای زندگی در کرات دیگر هم بدن مخصوصی لازم است. عمر بدن‌ها در کرات بالاتر بسیار طولانی‌تر از کره‌ی زمین است. زیرا شش ماه در روی زمین معادل یک روز در کرات بالاتر است. چنین است که وداها می‌گویند ساکنان کرات بالاتر از عمری بالغ بر ده هزار سال زمینی برخوردار هستند. ولی با وجود چنین طول عمری، مرگ در انتظار همه است. حتی اگر کسی بیست‌هزار، پنجاه‌هزار و یا حتی میلیون‌ها سال در دنیای مادی زندگی کند، تمام سال‌ها شمارش می‌شوند و مرگ نیز وجود دارد. چگونه ما می‌توانیم از تسلیم شدن به مرگ بگریزیم؟ این آموزش بهاگوادگیتا است.

*na jāyate mriyate vā kadācin
nāyam bhūtvā bhavitā vā na bhūyaḥ
ajo nityaḥ śāsvato 'yam purāṇo
na hanyate hanyamāne śarīre*

"برای روح هیچ‌گاه تولد و مرگی وجود ندارد. روح به وجود نیامده است، به وجود نمی‌آید، و به وجود نخواهد آمد. او تولد نیافته، جاودان، همواره موجود و ازلی است. روح با کشته شدن بدن از بین نمی‌رود." (ب.گ. ۲/۲۰)

ما روح هستیم و بنابراین جاودانیم. پس چرا باید خود را در معرض تولد و مرگ قرار دهیم؟ کسی که این سؤال را می‌پرسد باید خردمند محسوب گردد. آنان که کریشناآگاه هستند، بسیار خردمندند، زیرا علاقه‌ای ندارند وارد هیچ یک از کراتی گردند که در آنها مرگ وجود دارد. آنها خواستار عمری طولانی نیستند تا بتوانند فرمی همانند فرم خداوند بدست آورند. ایشوارا پاراما کریشنا سات-چید-آناندا-ویگراها^۱. سات یعنی "جاودان"، چید یعنی "پر از دانش" و آناندا یعنی "مملو از لذت". کریشنا منبع تمام لذات است. اگر ما

خود را از این بدن به ملکوت روحانی، چه کریشنالوکا^۱ (سیاره‌ی کریشنا) و یا هر کهری روحانی دیگری، انتقال دهیم بدن سات چید آنانندای مشابهی کسب خواهیم کرد. بدین‌سان هدف آنان که در کریشناآگاهی هستند با هدف آنان که سعی دارند خود را به کرات بالاتر در این دنیای مادی ارتقاء دهند، متفاوت است.

خود و یا روح هر شخص یک شراره‌ی روحانی بسیار کوچک است. کمال یوگا در انتقال این شراره‌ی روحانی به نوک سر است. یوگی با رسیدن به این مرحله می‌تواند طبق تمایلش، خود را به هر سیاره‌ی^۲ در دنیای مادی منتقل گرداند. اگر یوگی کنجکاو باشد که بداند کهری ماه چگونه است، می‌تواند خود را به آنجا منتقل سازد و یا اگر به کرات بالاتر علاقمند باشد می‌تواند خود را به آن کرات انتقال دهد، همان‌طور که مسافری به نیویورک، لندن و یا هر شهر دیگری روی کهری زمین مسافرت می‌کنند. بر روی زمین، هر جا که برویم، همان ویزا و قوانین گمرکی را در کار می‌بینیم، همچنین در تمام سیارات مادی نیز می‌توان اصول تولد، پیری، بیماری و مرگ را در کار دید.

اُم ایتی اکاکشارام برهما^۳: در هنگام مرگ یوگی می‌تواند اُم، اُمکارا، یعنی فرم صحیح ارتعاش صوت روحانی را ادا کند. چنانچه یوگی بتواند این صوت را به ارتعاش درآورد و در همان زمان کریشنا و یا ویشنو را به یاد آورد (مام آنوسمارام)^۴، به بالاترین هدف نائل می‌گردد. روش یوگا، متمرکز ساختن ذهن بر ویشنو است. بی‌هویت‌گرایان^۵ از خداوند متعال شکلی را تصور می‌کنند. ولی هویت‌گرایان^۶ این شکل را تصور نمی‌کنند، بلکه حقیقتاً می‌بینند. چه انسان خداوند را تصور نماید و چه حقیقتاً او را ببیند، باید ذهن خود را بر فرم واجد شخصیت کریشنا متمرکز سازد.

1- Kṛṣṇaloka

۲- Planet در این متن به معنی عام گره (چه ستاره و چه سیاره) به کار رفته است. در این ترجمه به اقتضای آهنگ کلام گره یا سیاره آورده شده است. - م.

3- Om ity ekākṣaram brahma

4- mām anusmaran

۵- Impersonalists: آنان که خداوند را فاقد شخصیت می‌دانند.

۶- Personalists: کسانی که به شخصیت خداوند ایمان دارند.

*ananya-cetāḥ satatam
yo mām smarati nityaśaḥ
tasyāham sulabhaḥ pārtha
nitya-yuktasya yoginah*

"ای پسر پریتها، برای کسی که مرا همواره بدون انحراف به خاطر دارد، به علت وقف دائمی در عبادت عاشقانه یا خدمت عابدانه، رسیدن به من آسان است." (ب.گ. ۱۴/۸)

حداقل بر طبق بهاگوادگیتا آنان که با زندگی موقتی، لذات موقتی، و وسایل آسایش موقتی راضی هستند، خردمند محسوب نمی‌شوند. طبق گیتا، کسی که ظرفیت مغزی‌اش ناچیز است، به چیزهای موقتی علاقه دارد. ما ابدی هستیم، پس چرا باید به چیزهای موقتی علاقمند باشیم؟ هیچ کس خواستار یک موقعیت ناپایدار و موقتی نیست. اگر ما در آپارتمانی زندگی کنیم و صاحبخانه از ما بخواهد که آن را تخلیه نماییم، ناراحت می‌شویم؛ ولی اگر قرار باشد به آپارتمان بهتری انتقال یابیم، دیگر ناراحت نخواهیم بود. این طبیعت ما است که اقامتگاه دائمی بخواهیم، زیرا ابدی هستیم. از آنجا که در حقیقت جاودان هستیم، نمی‌خواهیم بمیریم. همچنین نمی‌خواهیم پیر یا بیمار شویم، چرا که اینها همه حالات ظاهری و موقتی هستند. هرچند قرار نیست از تب رنج ببریم، ولی بعضی اوقات تب می‌کنیم؛ و باید پرهیز کنیم و برای بهبودی دارو مصرف نماییم. رنج‌های چهارگانه مانند تب هستند، و وجود همه‌ی آنها به علت بدن مادی است. اگر به هر نحوی بتوانیم از بدن مادی خارج شویم، از رنج‌های ناشی از بدن نیز رهایی می‌یابیم. کریشنا در اینجا به بی‌هویت‌گرایان برای خارج شدن از این بدن توصیه می‌کند که هجای "أم" را به ارتعاش درآورند. به این طریق آنان می‌توانند مطمئن باشند که به دنیای روحانی عروج خواهند کرد. با این حال، اگرچه ممکن است آنان به جهان روحانی وارد شوند، ولی نمی‌توانند وارد هیچ یک از کرات آنجا گردند. آنان بیرون، در برهماجیوتی^۱، باقی می‌مانند. برهماجیوتی را می‌توان به نور خورشید و کرات روحانی را به خود خورشید تشبیه کرد. بی‌هویت‌گرایان در آسمان روحانی در تابش نور خداوند متعال، برهماجیوتی،

باقی می‌مانند. آنها به صورت شراره‌های روحانی در برهماجیوتی قرار داده می‌شوند، و به این طریق برهماجیوتی مملو از شراره‌های روحانی است. این معنی غرق شدن در موجودیت روحانی است. این پیوستن به برهماجیوتی را نباید به مفهوم یکی شدن با آن دانست؛ فردیت شراره‌ی روحانی باقی می‌ماند، و از آنجا که بی‌هویت‌گرایان نمی‌خواهند فرم واجد هویتی داشته باشند، به صورت شراره‌های روحانی در آن تابش باقی می‌مانند. همان طور که نور خورشید از بسیاری ذرات ریز تشکیل شده است، برهماجیوتی نیز متشکل از شراره‌های روحانی بسیار است.

ولی ما به عنوان موجودات زنده طالب لذت هستیم. بودن به تنهایی کافی نیست. ما غیر از جاودانگی (سات، شغف (آناندا) نیز می‌خواهیم. در حالت کامل موجود زنده از سه کیفیت تشکیل شده است: جاودانگی، دانش و شغف. آنان که با حالت فاقد شخصیت وارد برهماجیوتی می‌شوند، می‌توانند برای مدتی در دانش کامل به این که آنان اکنون کاملاً غرق در برهن^۱ هستند، باقی بمانند، ولی نمی‌توانند از آن شغف ابدی (آناندا) برخوردار شوند، زیرا این مرحله فاقد آن است. انسان ممکن است برای مدتی به تنهایی در اطاقی بماند و با خواندن کتاب یا مشغول شدن به فکری لذت ببرد، ولی ممکن نیست برای سالیان سال پیوسته در آن اطاق باقی بماند، حال چه رسد به ماندن برای ابد. به همین دلیل برای اشخاصی که با بی‌هویت‌گرایی وارد هستی متعال می‌شوند، احتمال بسیار زیادی وجود دارد که دوباره برای کسب کمی معاشرت به دنیای مادی سقوط کنند. این نظر شریما دبه‌گاواتام است. فضا نوردان ممکن است هزاران هزار کیلومتر سفر کنند، ولی اگر جایی برای فرود آمدن نداشته باشند مجبورند دوباره به زمین بازگردند، به هر حال استراحت لازم است. در شکل فاقد شخصیت محل استقرار نامعلوم است. بنابراین شریما دبه‌گاواتام می‌فرماید حتی بعد از کوشش بسیار زیاد، اگر بی‌هویت‌گرایان وارد دنیای روحانی شوند و حالت فاقد شخصیت را کسب کنند، دوباره به علت نادیده گرفتن خدمت به خداوند متعال - خدمت از روی عشق و عبودیت - به دنیای مادی باز می‌گردند. ما تا هنگامی که روی زمین هستیم، باید بیاموزیم که عشق ورزیدن و خدمت

1- merged homogeneously with Brahman

به کریشنا، خداوند متعال، را تمرین کنیم. اگر این را فرا بگیریم، می‌توانیم به آن کرات روحانی وارد شویم. موقعیت بی‌هویت‌گرایان در دنیای روحانی ناپایدار است، زیرا به علت تنهایی سعی خواهند کرد گونه‌ای معاشرت پیدا کنند. چون آنان به طور شخصی با خداوند متعال معاشرت نمی‌کنند، مجبورند به دنیای مادی بازگردند و با موجودات مقید معاشر شوند.

بنابراین مهم‌ترین موضوع این است که ما ماهیت موقعیت فطری خود را بشناسیم: ما جاودانگی، دانش کامل و همچنین لذت می‌خواهیم. وقتی برای مدتی طولانی در برهماجیوتی فاقد شخصیت تنها بمانیم، نمی‌توانیم لذت ببریم و به همین دلیل لذت ارائه‌شده توسط دنیای مادی را می‌پذیریم. ولی در کریشناآگاهی لذت حقیقی تجربه می‌شود. در دنیای مادی عموماً بالاترین لذت را رابطه‌ی جنسی می‌دانند. این رابطه، انعکاس منحرفی است از رابطه و لذتی که در دنیای روحانی وجود دارد، یعنی آن لذتی که از معاشرت با خداوند تجربه می‌شود. ولی ما نباید فکر کنیم که آن لذت مانند لذت جنسی در دنیای مادی است. خیر، کاملاً متفاوت است. اگر رابطه‌ی عاشقانه در دنیای روحانی وجود نمی‌داشت، امکان انعکاس آن در اینجا نبود. اینجا فقط یک انعکاس منحرف هست. زندگی حقیقی در ملکوت روحانی با خداوند جریان دارد، او که سرشار از لذت کامل است. بنابراین بهترین روش این است که اکنون خود را تربیت کنیم تا در هنگام مرگ بتوانیم به ملکوت روحانی، به کریشنالوگا، منتقل شویم و در آنجا با کریشنا معاشرت کنیم. در برهما-سامهیتا (۲۹/۵)، شری کریشنا و ملکوت روحانی او بدین‌سان توصیف شده است:

*cintāmaṇi-prakara-sadmasu kalpa-vṛkṣa-
lakṣāvṛteṣu surabhīr abhipālayantam
lakṣmī-sahasra-śata-sambhrama-sevyamānam
govindam ādi-puruṣaṁ tam ahaṁ bhajāmi*

"من گویندا، خداوندِ ازلی و منشاء حیات را می‌پرستم که گاوها را حفظ می‌نماید، همه‌ی آرزوها را برآورده می‌سازد و در مکان‌هایی حضور دارد که از گوهرهای روحانی بنا شده‌اند و میلیون‌ها درخت آرزو آنها را احاطه کرده‌اند که

تمام خواسته‌ها و آرزوها را برآورده می‌نمایند. او در آنجا همواره توسط صدها هزار لاکشمی و گوپی که گرد او را فرا گرفته‌اند و با عشق و احترام کامل ناظر او هستند خدمت و عبادت می‌شود.^۱

این توصیف کریشنالوکا است. منازلش از سنگ‌های کیمیا ساخته شده‌اند. هرچه در تماس با کیمیا قرار گیرد به طلا تبدیل می‌شود. درختانش "درختان آرزو" هستند و می‌توان از آنها هر خواسته‌ای را به دست آورد. در این دنیا انبه از درخت انبه، و سیب از درخت سیب گرفته می‌شود، ولی آنجا از هر درختی هر آرزویی برآورده می‌شود. گاوها، سوراپی^۱ خوانده می‌شوند و مقادیر بی‌پایانی شیر می‌دهند. این توصیفات کرات روحانی در ادبیات ودایی آمده‌است.

در این دنیای مادی ما به تولد، مرگ و انواع رنج‌ها خو گرفته‌ایم. دانشمندان مادی وسایل متعددی برای لذت حواس و نیز نابودی کشف کرده‌اند، ولی هیچ راه حلی برای مسئله‌ی پیری، بیماری و مرگ نیافته‌اند. آنها نمی‌توانند دستگاهی بسازند که مرگ، پیری، و یا بیماری را متوقف سازد. ما قادریم چیزی بسازیم که مرگ را تسریع کند، ولی نه چیزی که مرگ را متوقف سازد. کسانی که خردمند هستند اهمیتی به رنج‌های چهارگانه نمی‌دهند، بلکه توجه خود را به صعود به کرات روحانی معطوف می‌سازند. کسی که دائماً در جذبه‌ی روحانی است (نیتیا-یوکتاسیا یوگینا)^۲، توجه خود را به هیچ چیز دیگری منحرف نمی‌سازد. او همواره در جذبه قرار دارد. ذهن او همواره بدون انحراف لبریز از کریشنا است (آناندا-چتا ساتاتام)^۳. منظور از ساتاتام، هر جا و هر زمان است.

در هندوستان، من در ورینداون^۴ زندگی می‌کردم، و اکنون در امریکا هستم. ولی این بدان معنی نیست که از ورینداون خارج شده‌ام، زیرا اگر همواره به کریشنا فکر کنم، بدون توجه به انتسابات مادی همواره در ورینداون خواهم بود. مفهوم کریشناآگاهی این

1- surabhi

2- nitya-yuktasya yoginah

3- ananya-cetāḥ satatam

4- Vṛndāvana

است که انسان همواره با کریشنا در آن سیاره‌ی روحانی، در گولوکا و رینداون^۱، زندگی می‌کند؛ و فقط منتظر است که این بدن مادی را ترک نماید. اسماراتی نیتیا^۲ یعنی دائماً به یاد داشتن. و برای کسی که همواره کریشنا را به خاطر دارد، خداوند، تاسیاهام سولابها^۳، به سادگی حاصل می‌شود. کریشنا خود می‌فرماید که او به وسیله‌ی این روش بهاکتی‌یوگا به سادگی در دسترس است. پس چرا باید راه دیگری را برگزینیم؟ ما می‌توانیم "هاره کریشنا، هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره / هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره" را بیست و چهار ساعته ذکر کنیم. هیچ قاعده و قانونی وجود ندارد. می‌توان در خیابان، مترو، خانه یا اداره ذکر کرد. هیچ مالیات و خرجی ندارد. پس چرا این کار را نکنیم؟

1- Goloka Vṛndāvana

2- smarati nityaśaḥ

3- tasyāham sulabhaḥ

فصل سوم

رهایی از کرات مادی

گیانی‌ها و یوگی‌ها عموماً بی‌هویت‌گرا هستند و هرچند با غرق شدن در انوار الهی، در آسمان روحانی، به رهایی موقتی دست می‌یابند، با این حال طبق شریما دبه‌گاواتام دانش آنان خالص محسوب نمی‌شود. آنها می‌توانند با توبه، ریاضت و مراقبه به سکوی حقیقت مطلق صعود کنند، ولی همان‌طور که توضیح داده شد بار دیگر به دنیای مادی فرو می‌افتند، چرا که سیمای شخصی کریشنا را جدی تلقی نکرده‌اند. اگر کسی قدوم نیلوفرین کریشنا را نپرستد مجبور است دوباره به سکوی مادی نزول کند. حالت صحیح این است: "من خدمت‌گزار ابدی تو هستم، خواهش می‌کنم اجازه بده به نحوی به خدمت تو مشغول باشم." کریشنا آجیتا^۱، تسخیرناپذیر، خوانده می‌شود. چون هیچ‌کس نمی‌تواند بر خداوند فائق آید، ولی طبق شریما دبه‌گاواتام کسی که چنین حالت خادمانه‌ای نسبت به خداوند دارد، به سادگی متعال را تسخیر می‌کند. همچنین شریما دبه‌گاواتام توصیه می‌کند که این طریقه‌ی بیهوده‌ی سنجیدن متعال را کنار بگذاریم. ما حتی قادر نیستیم حدود کیهان را اندازه بگیریم، حال چه رسد به خداوند متعال. غیرممکن است که با دانش ناچیز خود بتوانیم ابعاد کریشنا را بسنجیم، و کسی که به این نتیجه رسیده است از دید متون مقدس ودایی، خردمند محسوب می‌شود. انسان باید متواضعانه این نکته را درک کند که جزئی ناچیز از این جهان است. ما باید کوشش برای درک متعال را از طریق دانش محدود و پندار ذهنی خود رها کنیم، و به این ترتیب متواضعانه پیام متعال را از منابع مؤثق مانند بهاگاوادگیتا و یا از زبان یک روح خودشناخته دریافت نماییم.

در بهاگاوادگیتا، آرجونا درباره‌ی خداوند از زبان خود شری کریشنا می‌شنود. به این

ترتیب آرجونا ملاک درک متعال با روش شنیدن متواضعانه را مشخص می‌کند و بر ما است که بهاگاوادگیتا را از زبان آرجونا و یا نماینده‌ی معتبر او یعنی پیر روحانی بشنویم. بعد از شنیدن، لازم است در زندگی روزانه‌ی خود به این دانش کسب‌شده عمل نماییم. عابد^۱ دعا می‌کند: "ای خداوند عزیز من، تو تسخیرناپذیر هستی، ولی با این روش شنیدن تسخیر می‌شوی." خداوند تسخیرناپذیر است، ولی عابدی که پندار ذهنی را رها می‌سازد و به مراجع مؤثق گوش فرا می‌دهد، او را تسخیر می‌کند.

طبق برهما-سامهیتا دو راه برای کسب دانش وجود دارد: روش صعودی و روش نزولی. در روش صعودی فرد به وسیله‌ی دانشی که خودش کسب کرده است صعود می‌کند و می‌اندیشد که "من احتیاجی به مراجع و کتب معتبر الهی ندارم. من خودم به وسیله‌ی مراقبه، فلسفه و ... دانش کسب خواهم کرد. به این طریق خدا را درک خواهم کرد". روش دیگر، یعنی روش نزولی، دربرگیرنده‌ی دریافت دانش از مراجع بالاتر است. برهما-سامهیتا بیان می‌دارد کسی که روش صعودی را برمی‌گزیند، حتی اگر میلیون‌ها سال با سرعت فکر و یا باد سیر کند، با این همه سرانجام چیزی نخواهد دانست و موضوع برای او امری توهمی و غیرقابل درک باقی خواهد ماند. اما این مطلب در بهاگاوادگیتا گفته شده است: آنانیا-چتا^۲. کریشنا می‌گوید که باید بدون انحراف از راه خدمت عابدانه با تواضع و فروتنی بر او مراقبه شود. برای کسی که او را چنین می‌پرستد، تاسیام سولا بها^۳: "من به آسانی در دسترس هستم." روش این است: اگر فرد بیست و چهار ساعته برای کریشنا کار کند، کریشنا نمی‌تواند او را فراموش نماید. او می‌تواند با تسلیم و تواضع، توجه کریشنا را به خود جلب کند. چنان که حضرت بهاکتی سیدهانثا ساراسواتی^۴ می‌گفت: "سعی نکنید خدا را ببینید. آیا باید خداوند بیاید و مانند یک خدمت‌گزار مقابل ما بایستد، فقط برای اینکه ما او را ببینیم؟ این، روشی متواضع نیست. ما باید او را با عشق و خدمت خود مدیون سازیم."

1- devotee

2- ananya-cetāḥ

3- tasyāham sulabhaḥ

4- Bhaktisiddhānta Sarasvatī

روش صحیح تقرب به کریشنا را خداوند چیتانیا ماهاپرابهو به بشریت ارائه کرد و روپاگوسوامی^۱، اولین مرید او، آن را به خوبی درک نمود. روپاگوسوامی در حکومت وقت وزیر بود، ولی دولت را رها کرد تا مرید چیتانیا ماهاپرابهو شود. اولین بار که به دیدن او رفت، چنین گفت:

*namo mahā-vadānyāya
kṛṣṇa-prema-pradāya te
kṛṣṇāya kṛṣṇa-caitanya-
nāmne gaura-tviṣe namaḥ*

"من سجده‌های محترمانه خود را تقدیم می‌کنم به خداوند متعال شری کریشنا چیتانیا که از تمام ظهورات دیگر، حتی خود کریشنا، بزرگوارتر است، زیرا او آنچه که هیچ کس تا به حال ارائه نکرده است، یعنی عشق پاک کریشنا را، به سادگی در دسترس قرار می‌دهد." (چیتانیا چاریتامریتا، مادهیا-لیلا، ۵۳/۱۹)

روپاگوسوامی، چیتانیا ماهاپرابهو را "بزرگوارترین و بخشنده‌ترین شخصیت" خواند، زیرا او ارزنده‌ترین چیز، یعنی عشق به خداوند را به رایگان تقدیم می‌کرد. ما همگی خواهان کریشناییم و همه آرزوی او را داریم. کریشنا جذاب‌ترین، زیباترین، ثروتمندترین، قدرتمندترین و داناترین است. این چیزی است که ما در آرزوی آن هستیم. ما به دنبال اشخاص زیبا، قدرتمند، دانا و ثروتمند هستیم. کریشنا منبع تمام اینها است. بنابراین ما فقط باید توجهمان را به طرف او برگردانیم و آنگاه همه چیز را خواهیم داشت؛ همه چیز، و هر چه که بخواهیم. هر آن چه که آرزوی قلبی ما باشد با این روند کریشناآگاهی برآورده خواهد شد.

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، برای کسی که در کریشناآگاهی می‌میرد، ورود به کریشنالوکا یعنی بالاترین مکان، جایی که کریشنا سکونت دارد، تضمین شده است. شاید کسی پرسد که مزیت رفتن به آن مکان چیست؟ خود کریشنا پاسخ می‌گوید:

*mām upetya punar janma
duḥkhālayam aśāsvatam
nāpnuvanti mahātmānaḥ
samsiddhim paramām gatāḥ*

”ارواح بزرگ که یوگی‌هایی در عشق و عبودیت هستند پس از نایل شدن به من هیچ‌گاه به این عالم فانی که مملو از رنج و شوربختی است باز نمی‌گردند، زیرا آنان به بالاترین کمال دست یافته‌اند.“ (ب.گ. ۱۵/۸)

این دنیای مادی را شری کریشنا، یعنی آفریدگار آن، به عنوان دوکھالایام^۱، پر از رنج، معرفی کرده است. پس چگونه می‌توانیم آن را به مکانی راحت مبدل سازیم؟ آیا ممکن است این دنیا را با به اصطلاح پیشرفت علمی به مکان راحتی تبدیل کنیم؟ خیر، این ممکن نیست. در نتیجه ما حتی نمی‌خواهیم بدانیم که این رنج‌ها چه هستند. این رنج‌ها همان‌طور که قبلاً ذکر شد عبارتند از: تولد، پیری، بیماری و مرگ. و ما چون نمی‌توانیم راه حلی برای آنها بیابیم، می‌کوشیم آنها را نادیده بگیریم. علم در رابطه با حل این مسائل، که همواره برای ما ناراحتی به وجود می‌آورد، هیچ قدرتی ندارد. در عوض آنها توجه ما را به ساختن سفینه‌ی فضایی و بمب‌های اتمی منحرف می‌کنند. راه حل این مسائل در بهاگوادگیتا بیان شده است: اگر فردی به قلمرو کریشنا برسد، دیگر مجبور نیست دوباره به این سرزمین تولد و مرگ بازگردد. ما باید سعی کنیم درک نماییم که دنیای مادی پر از رنج است. درک این امر احتیاج به سطح خاصی از رشد آگاهی دارد. گربه‌ها، سگ‌ها و خوک‌ها نمی‌توانند درک کنند که دارند رنج می‌برند. گفته می‌شود که انسان یک حیوان منطقی است، ولی منطق او به جای یافتن راه‌هایی از این وضعیت اسفبار، برای پیشرفت تمایلات حیوانی او استفاده می‌شود. در این مورد کریشنا به صراحت بیان می‌کند که کسی که نزد او می‌آید دیگر هیچ‌گاه متولد نمی‌شود تا رنج ببرد. آن ارواح بزرگی که نزد او می‌آیند به بالاترین کمال زندگی، که موجود زنده را از تمام دردهای زندگی مقید رها می‌سازد، نایل شده‌اند.

یکی از تفاوت‌هایی که بین کریشنا و یک موجود عادی وجود دارد این است که

موجود عادی در هر لحظه فقط می‌تواند در یک مکان باشد، ولی کریشنا قادر است در آن واحد در همه جای جهان باشد و در عین حال در منزلگاه خود نیز حضور داشته باشد. منزلگاه کریشنا در ملکوت اعلی گولوکا و رینداون خوانده می‌شود. و رینداون در هندوستان همان و رینداون است که بر زمین نزول کرده است. هنگامی که کریشنا خودش به وسیله انرژی درونی خود نزول می‌کند، دهاما^۱ یا منزلگاه او نیز می‌آید. به عبارت دیگر وقتی کریشنا روی زمین می‌آید، خود را در آن سرزمین خاص متجلی می‌سازد. با وجود این منزلگاه کریشنا به طور جاودان در ملکوت روحانی، در وایکوتنا^۲، باقی است. در این آیه کریشنا اعلام می‌دارد کسی که به منزلگاه او در وایکوتنا می‌آید دیگر هیچ‌گاه مجبور نیست دوباره در دنیای مادی متولد گردد. چنین شخصی ماهاتما^۳ خوانده می‌شود. واژه‌ی ماهاتما معمولاً در غرب در رابطه با ماهاتما گاندی شنیده می‌شود. ولی باید بدانیم که ماهاتما لقب یک سیاستمدار نیست، بلکه عطف به یک فرد کریشناآگاه درجه‌ی یک است که شایستگی ورود به ملکوت خداوند را دارد. کمال ماهاتما این است: استفاده از شکل انسانی حیات و منابع طبیعت برای رها کردن خود از دور تولد و مرگ.

انسان خردمند می‌داند که خواستار رنج نیست، بلکه رنج به اجبار به او تحمیل شده است. چنان که گفته شد ما همواره در اثر این ذهن، بدن، سایر موجودات زنده و مصائب طبیعی، در وضع رنج‌آوری به سر می‌بریم. همواره گونه‌ای درد بر ما تحمیل می‌شود. این دنیای مادی برای رنج است؛ اگر رنج نباشد ما نمی‌توانیم به کریشناآگاهی برسیم. رنج در واقع محرکی است برای کمک به ما تا به کریشناآگاهی ارتقا یابیم. انسان با شعور سؤال می‌کند که چرا این رنج‌ها به اجبار بر من تحمیل می‌شوند؟ ولی حالت تمدن جدید این است که: "اجازه بده درد بکشم. با قدری مخدر آن را تسکین می‌دهم، همین." ولی به محض اینکه تخدیر تمام شود، بدبختی‌ها باز می‌گردند. نمی‌توان از طریق تخدیر تصنعی راه‌حلی برای رنج‌های زندگی ایجاد کرد. مسئله به وسیله‌ی کریشناآگاهی حل می‌شود. ممکن است کسی بگوید: "اگرچه عابدین کریشنا سعی دارند به منزلگاه کریشنا وارد

1- dhāma

2- Vaikuṅṭha

3- mahātmā

شوند، ولی دیگران علاقمندند به ماه بروند. آیا رفتن به ماه نیز خود کمال نیست؟" تمایل سفر به کرات دیگر همواره در موجود زنده هست. یکی از اسامی موجود زنده ساروا-گاتا^۱ است، یعنی "کسی که می‌خواهد به همه جا سفر کند." مسافرت بخشی از طبیعت موجود زنده است. خواسته‌ی سفر به ماه امر تازه‌ای نیست. یوگی‌ها نیز علاقمند به ورود به کرات بالاتر هستند، اما کریشنا در بهاگوادگیتا متذکر می‌شود که این کار فایده‌ای نخواهد داشت.

*ābrahma-bhuvanāl lokāḥ
punar āvartino 'rjuna
mām upetya tu kaunteya
punar janma na vidyate*

"از بالاترین کرات دنیای مادی گرفته تا پایین‌ترین آنها، همگی مکان درد و رنج است که در آنها تولدها و مرگ‌های پیاپی صورت می‌گیرد. اما ای پسر کونتیی، کسی که به سرزمین من دست یابد از تولد مجدد ایمن خواهد بود."
(ب.گ. ۱۶/۸)

جهان به منظومه‌های سیاره‌ای بالایی، میانی و پایینی تقسیم شده است و زمین یکی از کرات منظومه‌های سیاره‌ای میانی محسوب می‌شود. کریشنا می‌گوید که حتی اگر کسی به بالاترین کره وارد شود، که برهمالوکا^۲ نام دارد، باز در آنجا تکرار تولد و مرگ وجود دارد. کرات دیگر در جهان مملو از موجودات زنده هستند. نباید فکر کنیم فقط ما اینجا هستیم و بقیه کرات خالی از سکنه هستند. این را می‌توانیم ببینیم که هیچ مکانی روی زمین خالی از موجودات زنده نیست. اگر زمین را حفر کنیم، کرم‌ها را خواهیم یافت، به اعماق آب برویم آبزیان را می‌یابیم، و اگر به آسمان برویم پرندگان بسیاری را خواهیم دید. پس چگونه امکان دارد نتیجه‌گیری کنیم که در کرات دیگر هیچ موجود زنده‌ای وجود ندارد؟ ولی کریشنا می‌گوید که حتی اگر ما وارد آن کراتی بشویم که ملائک بزرگ در آنجا زندگی می‌کنند، باز هم در معرض مرگ قرار داریم؛ و باز کریشنا تکرار می‌کند

1- sarva-gata

2- Brahmaloaka

که با رسیدن به منزلگاه او شخص لازم نیست دوباره متولد شود.

ما باید در مورد رسیدن به زندگی جاودان مملو از دانش و شعف خود بسیار جدی باشیم. ما فراموش کرده‌ایم که در واقع این هدف زندگی و علاقه‌ی فطری ما است. چرا فراموش کرده‌ایم؟ ما فقط با زرق و برق مادی، آسمان‌خراش‌ها، کارخانه‌های بزرگ و بازی‌های سیاسی به دام افتاده‌ایم؛ گرچه می‌دانیم هر قدر هم آسمان‌خراش‌های بزرگی درست کنیم، نخواهیم توانست برای همیشه در آنها زندگی کنیم. نباید زندگی خود را بیهوده در ساختن کارخانه‌ها و شهرهای بزرگ برای بیشتر درگیر کردن خود در طبیعت مادی تلف کنیم. در عوض باید انرژی خود را صرف ارتقای کریشناآگاهی خود نماییم تا به کالبد روحانی خود نایل شویم و به این طریق وارد منزلگاه خداوند گردیم. کریشناآگاهی یک قاعده و دستور مذهبی و یا سرگرمی روحانی نیست، بلکه مهم‌ترین بخش موجود زنده است.

فصل چهارم

آسمان آن سوی جهان

اگر تولد و مرگ حتی در کرات بالاتر این جهان نیز وجود دارد، چرا یوگی‌ها برای ارتقای به آنها کوشش می‌کنند؟ هرچند آنها ممکن است از قدرت‌ها و کرامات خارق‌العاده‌ی زیادی برخوردار باشند، ولی با این حال این یوگی‌ها هنوز تمایل دارند از مواهب زندگی مادی لذت ببرند. در کرات فوقانی، امکان زندگی بسیار طولانی وجود دارد. محاسبه‌ی زمانی این سیارات را کریشنا بیان کرده است:

*sahasra-yuga-ṣaryantam
ahar yad brahmaṇo viduḥ
rātrim yuga-sahasrāntām
te 'ho-rātra-vido janāḥ*

"با محاسبه‌ی انسانی، مجموع هزار عصر معادل یک روز برهما است و همین مقدار نیز معادل یک شب اوست." (ب.گ. ۱۷/۸)

هر یوگا^۱ ۴/۳۰۰/۰۰۰ سال است. این رقم ضرب در هزار، معادل دوازده ساعت برهما در سیاره‌ی برهمالوکا است، و دوازده ساعت دیگر هم شب او را تشکیل می‌دهد. سی روز از چنین روزهایی یک ماه، و دوازده ماه یک سال می‌شود، و برهما به مدت یکصد سال از چنین سال‌هایی زندگی می‌کند. زندگی در چنین سیاره‌ای واقعاً طولانی است، ولی حتی پس از تریلیون‌ها سال، ساکنین برهمالوکا مجبورند با مرگ روبرو شوند. تا به سیارات روحانی نائل نگردیم، هیچ گریزی از مرگ وجود ندارد.

۱ - *yuga*: عصر. (به تفاوت آن با کلمه‌ی *yoga* به معنای اتصال دقت کنید.)

*avyaktād vyaktayaḥ sarvāḥ
prabhavanty ahar-āgame
rātry-āgame praliyante
tatraivāvyakta-samjñake*

"در آغاز روز برهما، تمام موجودات زنده از مرحله‌ی تجلی نیافته پدید می‌آیند و پس از آن، هنگامی که شب برهما فرا رسد، دوباره به مرحله‌ی تجلی نیافته فرو خواهند رفت." (ب.گ. ۱۸/۸)

در پایان روز برهما، تمامی منظمه‌های سیاره‌ای پایین‌تر در آب فرو می‌روند و موجودات آنها نابود می‌گردند. پس از این نابودی و بعد از اینکه شب برهما گذشت، هنگامی که در صبحگاه برهما بیدار می‌شود، دوباره آفرینش انجام می‌شود و همه‌ی این موجودات باز به عرصه‌ی وجود می‌آیند. بدین سان طبیعت دنیای مادی این است که در معرض آفرینش و انهدام باشد.

*bhūta-grāmaḥ sa evāyam
bhūtvā bhūtvā praliyate
rātry-āgame 'vaśaḥ pārtha
prabhavaty ahar-āgame*

"ای پارتها، دوباره و دوباره هنگامی که روز برهما فرا می‌رسد تمام موجودات زنده به عرصه‌ی حیات باز می‌آیند و با فرا رسیدن شب برهما ناگزیر نابود خواهند شد." (ب.گ. ۱۹/۸)

هرچند موجودات زنده نابودی را دوست ندارند، ولی این نابودی فرا می‌رسد و تمام سیارات را در آب غرق می‌کند، تا تمامی موجودات در طول شب برهما غرق در آب باقی بمانند. ولی با فرارسیدن روز، آب به تدریج ناپدید می‌گردد.

*paras tasmāt tu bhāvo 'nyo
'vyakto 'vyaktāt sanātanaḥ
yaḥ sa sarveṣu bhūteṣu
naśyatsu na vinaśyati*

"با این حال، طبیعت غیرمتجلی دیگری وجود دارد که جاودانی است و در ورای این ماده‌ی تجلی‌یافته و تجلی‌نیافته قرار دارد. آن طبیعت اعلی که هرگز نبود نمی‌گردد، با انهدام کل این عالم، همچنان همان‌گونه که هست باقی می‌ماند." (ب.گ. ۲۰/۸)

ما نمی‌توانیم ابعاد جهان مادی را محاسبه کنیم، ولی براساس وداها اطلاع داریم که در کل آفرینش میلیون‌ها جهان هست. آن سوی این دنیاهای مادی، جهان دیگری وجود دارد که روحانی است. آنجا همه‌ی کرات جاودان هستند و زندگی تمام موجودات آنها جاودان است. در این آیه واژه‌ی بهاوا^۱ یعنی طبیعت، و به طبیعت دیگری اشاره می‌کند. در این جهان نیز ما دو طبیعت را تجربه می‌کنیم. موجود زنده روح است، و تا هنگامی که درون ماده قرار دارد، ماده حرکت می‌کند؛ به محض اینکه موجود زنده، آن شراره‌ی روحانی، از بدن خارج شود، بدن دیگر حرکت نمی‌کند. طبیعت روحانی، طبیعت برترِ کریشنا، و طبیعت مادی، طبیعت پست‌تر خوانده می‌شود. آن سوی این طبیعت مادی، طبیعت برتری وجود دارد که کاملاً روحانی است. این را با دانش تجربی نمی‌توان دریافت. ما با تلسکوپ می‌توانیم میلیون‌ها ستاره را ببینیم، ولی قادر نیستیم به آنها نزدیک شویم. باید ناتوانی‌های خود را بشناسیم. اگر نمی‌توانیم جهان مادی را با دانش تجربی بشناسیم، پس درک خداوند و ملکوت روحانی او چگونه امکان‌پذیر است؟ این امر، با تجربه امکان‌پذیر نیست. باید با شنیدن بهاگاوادگیتا به درک این حقایق نایل گردیم. ما از طریق دانش تجربی نمی‌توانیم بفهمیم پدرمان کیست، بلکه باید به مادرمان گوش فرا دهیم و حرف او را باور کنیم. اگر حرف او را باور نکنیم، راهی برای دانستن نیست. به همین ترتیب اگر ما دقیقاً از روش کریشناآگاهی پیروی نماییم، تمام دانش درباره‌ی کریشنا و ملکوت او آشکار خواهد شد.

پاراس تو بهاوا^۲، یعنی طبیعت برتر و ویاکتا^۳ عطف به آن چیزی است که ما متجلی‌شده می‌بینیم. می‌توانیم ببینیم که طبیعت مادی به صورت زمین، خورشید،

1- bhāvaḥ

2- paras tu bhāvaḥ

3- vyaktaḥ

ستارگان و سیارات تجلی کرده است. و آن سوی این جهان، طبیعت دیگری قرار دارد، طبیعتی جاودان. آویاکتا ساناناتا^۱. این طبیعت مادی آغاز و پایانی دارد، در حالی که آن طبیعت روحانی، ساناناتا^۲، ابدی است. نه آغازی دارد و نه پایانی. چگونه ممکن است؟ ابری که در آسمان می‌گذرد، شاید به نظر برسد محدوده‌ی زیادی را پوشانده، ولی در واقع فقط لکه‌ی کوچکی است که قسمت ناچیزی از آسمان را فرا گرفته است. چون ما بسیار کوچک هستیم، اگر ابری فقط چند صد کیلومتر را پوشاند، به نظر می‌رسد تمام آسمان را احاطه کرده است. همچنین تمام این جهان مادی مانند ابر کوچک بی‌اهمیتی در آسمان بی‌کران روحانی است. این جهان را ماها-تاتوا^۳، ماده، در برگرفته است. همان‌طور که یک ابر آغاز و پایانی دارد، این طبیعت مادی نیز آغاز و انتهای دارد. وقتی ابرها ناپدید شوند و آسمان صاف گردد، ما همه چیز را همان‌طور که هست می‌بینیم. بدن نیز همچون ابری است که از روی روح می‌گذرد. برای مدتی می‌ماند، محصولاتی می‌دهد، تحلیل می‌رود و بعد از بین می‌رود. هر نوع پدیده‌ی مادی که مشاهده کنیم این شش تغییر طبیعت مادی را از سر می‌گذراند: بوجود می‌آید، رشد می‌کند، مدتی می‌ماند، محصولاتی تولید می‌کند، تحلیل می‌رود، و بعد از میان می‌رود. کریشنا می‌گوید که آن سوی این طبیعت متغیر ابرگونه، طبیعتی روحانی وجود دارد که ابدی است. هنگامی که این طبیعت مادی منهدم می‌شود، آن آویاکتا ساناناتا باقی می‌ماند.

در متون ودایی اطلاعات زیادی در مورد آسمان‌های روحانی و مادی وجود دارد. در کنتوی دوم شریما دبه‌گاواتام توصیفات آسمان روحانی و ساکنان آن آمده است. حتی گفته شده که در آسمان روحانی سفینه‌هایی روحانی هست که موجودات رهایی‌یافته با سرعت آذرخش با آنها سفر می‌کنند. تمام آنچه که اینجا هست، را به صورت حقیقی می‌توان در آنجا یافت. اینجا در جهان مادی همه چیز بدل و یا سایه‌ای است از آنچه که در ملکوت روحانی وجود دارد. همان‌طور که در سینما فقط نمایش و تصویری از پدیده‌ی واقعی را می‌بینیم، در شریما دبه‌گاواتام گفته شده که این دنیا تنها ترکیبی از

1- *Avyaktāt sanātanaḥ*
 2- *sanātanaḥ*
 3- *mahat-tattva*

ماده است که از روی حقیقت قالب‌ریزی شده است، همان‌طور که مجسمه‌ی زنی که در ویتترین فروشگاه قرار داده می‌شود از روی یک زن مدل‌سازی شده است. هر انسان عاقلی می‌داند که مجسمه یک بدل است. شریدهارا سوامی^۱ می‌گوید: "چون دنیای روحانی حقیقی است، این دنیای مادی که بدل آن است حقیقی به نظر می‌رسد." باید مفهوم حقیقت را درک کنیم، حقیقت یعنی موجودیتی که از بین نمی‌رود؛ حقیقت یعنی جاودانگی.

*nāsato vidyate bhāvo
nābhāvo vidyate sataḥ
ubhayor api dṛṣṭo 'ntas
tv anayos tattva-darśibhiḥ*

"بینندگان حقیقت چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که آنچه موجود نیست (کالبد مادی فانی) دوامی ندارد و آنچه ابدی است (روح جاودان) تغییری ندارد. آنها با مطالعه‌ی طبیعت هر دو، به این نتیجه دست یافته‌اند." (ب.گ. ۱۶/۲)

لذت حقیقی، کریشنا است و لذت مادی که موقتی است، حقیقت ندارد. آنان که چیزها را همان‌گونه که هست می‌بینند، در لذت‌های سایه‌وار و گذرا پا نمی‌نهند. هدف حقیقی حیات انسانی رسیدن به ملکوت روحانی است، ولی همان‌طور که شریما دبه‌گاواتام اشاره می‌کند، بیشتر مردم از آن آگاه نیستند. زندگی انسانی به منظور درک حقیقت و انتقال به سرزمین حقیقت است. تمام متون ودایی به ما تعلیم می‌دهند که در این تاریکی باقی نمانیم. سرشت این دنیای مادی تاریکی است، در حالی که جهان روحانی مملو از نور است، ولی با آتش یا برق روشن نشده است. کریشنا در فصل پانزدهم به‌گاوادگیتا به این مطلب اشاره می‌کند:

*na tad bhāsayate sūryo
na śaśāṅko na pāvakaḥ
yad gatvā na nivartante
tad dhāma paramaṁ mama*

"آن منزلگاه متعال مرا، خورشید، ماه، آتش و یا الکتریسیته روشن نمی کند. کسانی که به آن واصل می شوند دیگر هیچ گاه به این دنیای مادی باز نمی گردند." (ب.گ. ۶/۱۵)

عالم روحانی را غیرمتجلی می نامند، زیرا نمی توان آن را با حواس مادی مشاهده کرد.

*avyakto 'ksara ity uktas
tam āhuḥ paramām gatim
yam prāpya na nivartante
tad dhāma paramam mama*

"آن ملکوتی که ودانتیست‌ها آن را به عنوان نامتجلی و بری از نقص توصیف می کنند، که به عنوان مقصد متعال شناخته می شود، و جایگاهی که شخص پس از واصل شدن به آن هیچ گاه دیگر باز نمی گردد، منزلگاه متعال من است." (ب.گ. ۲۱/۸)

در این آیه به سفری بزرگ اشاره شده است. ما باید قادر شویم در فضا سفر کنیم، از دنیای مادی عبور نماییم، در پوشش آن رخنه کنیم و وارد آسمان روحانی شویم. پارام گاتیم^۱، این سفر متعالی است. موضوع سفر کردن تا چند هزار کیلومتر فراتر از این سیاره و بازگشتن به آن مطرح نیست. چنین سفری کار چندان خارق العاده‌ای نیست. ما باید از کل جهان مادی گذر کنیم. این کار نه با سفینه‌های فضایی، بلکه با کریشناآگاهی امکان پذیر است. کسی که مجذوب کریشناآگاهی است و در هنگام مرگ به کریشنا فکر می کند، بلافاصله به آن جا منتقل می شود. اگر واقعاً بخواهیم به ملکوت روحانی برویم، و حیات جاودان، پر از شمع، و مملو از دانش را به دست آوریم، باید از هم‌اکنون، بدنی ساچ-چید-آناندا را پرورش دهیم. گفته می شود کریشنا کالبد روحانی ساچ-چید-آناندا دارد: ایشوارا پاراما کریشنا ساچ-چید-آناندا و یگراها^۲. ما نیز کالبد مشابهی را از جاودانگی، دانش و شمع دارا هستیم، با این تفاوت که بسیار کوچک است و با لباس ماده پوشیده شده است. اگر به گونه‌ای بتوانیم این لباس کاذب را رها کنیم، می توانیم به آن ملکوت

1- paramām gatim

2- īśvaraḥ paramaḥ kṛṣṇaḥ sac-cid-ānanda-vigrahaḥ

روحانی دست یابیم. اگر یک بار بتوانیم به آن عالم روحانی نایل گردیم، دیگر نیازی به بازگشت نیست (یام پراپیا نا نیوارتانته)^۱.

بنابراین همه باید سعی کنند که به آن دهاما پارامام^۲ بروند، به ملکوت متعال کریشنا. خود کریشنا برای فراخواندن ما می آید و به ما متون مقدس را به عنوان کتاب راهنما می دهد و نمایندگان معتبر خود را می فرستد. ما باید از این موهبتی که در اختیار زندگی انسانی قرار داده شده بهره مند شویم. کسی که به آن منزلگاه اعلی می رسد، دیگر احتیاجی به توبه، ریاضت و مراقبه های یوگایی ندارد؛ و اگر کسی به آن منزلگاه اعلی نرسد، تمام توبه ها و ریاضت ها فقط یک اتلاف وقت بیهوده است. شکل انسانی حیات فرصت مغتنمی برای دریافت این لطف کریشنا است، و این وظیفه ی دولت، والدین، معلمین، و مریبان است تا آنان را که این شکل انسانی حیات را کسب کرده اند، به کمال زندگی ارتقا دهند. صرفاً خوردن، خوابیدن، جفت گیری، و نزاع مثل سگ و گربه تمدن نیست. ما باید از این شکل انسانی حیات درست استفاده کنیم و از این دانش برای مهیا نمودن خود در کریشناگاهی بهره مند شویم، تا به این ترتیب بیست و چهار ساعت روز را مجذوب کریشنا باشیم و در هنگام مرگ بلافاصله به آسمان روحانی منتقل گردیم.

*puruṣaḥ sa paraḥ pārtha
bhaktyā labhyas tv ananyayā
yasyāntaḥ-sthāni bhūtāni
yena sarvaṁ idaṁ tatam*

"وصول به شخصیت اعلای خداوند که نسبت به هر شخصیتی برتر می باشد، از طریق عشق و بندگی پاک و خالص میسر است. به رغم ثبوت شخصیت الهی در جایگاهی واحد، او در سراسر هستی گسترده شده و همه چیز در او واقع شده است." (ب.گ. ۲۲/۸)

اگر واقعاً به رسیدن به آن منزل اعلی علاقمند باشیم، روش همان طور که در این

1- *yaṁ prāpya na nivartante*

2- *dhāma paramam*

آیه ذکر شد، بهاکتی است. بهاکتیا^۱ یعنی خدمت عاشقانه و مطیع بودن نسبت به خداوند متعال. ریشه‌ی لغوی بهاکتیا، واژه‌ی بهاج^۲ به معنی "خدمت" است. بهاکتی در ناراداپانچاراترا^۳، "رهایی از منسوبات"^۴ تعریف شده است. اگر کسی مصمم باشد از تمام منسوباتی که به روح خالص و پاک الحاق شده‌اند بیرون آید، می‌تواند به بهاکتی دست یابد؛ منسوباتی که به علت بدن به وجود می‌آیند و مدام با تغییر بدن تغییر می‌کنند. بهاکتی ادراک این نکته است که ما روح خالص هستیم، و به هیچ وجه ماده نیستیم. هویت اصلی ما این بدن نیست، که فقط یک پوشش است، بلکه هویت حقیقی ما داسا^۵، یعنی خادم کریشنا است. کسی که در هویت حقیقی خود واقع گردد و به کریشنا خدمت کند، یک بهاکتا است. هریشیکنا هریشیکشا-سیوانام^۶: وقتی حواس ما از منسوبات مادی آزاد شوند، می‌توانیم آنها را در خدمت به ارباب حواس، هریشیکشا، کریشنا، بکار گماریم.

همانطور که روپاگوسوامی اشاره می‌کند، باید به کریشنا به طور مساعدی خدمت کنیم. ما معمولاً می‌خواهیم به خداوند به خاطر هدف و یا دستاوردی مادی خدمت کنیم. البته کسی که برای کسب دستاوردی مادی نزد خداوند می‌رود، بهتر از کسی است که اصلاً سراغ او نمی‌رود؛ ولی باید از خواسته برای نفع مادی پاک باشیم. هدف ما باید درک کریشنا باشد. البته کریشنا نامحدود است، و درک کردن او امکان‌پذیر نیست، ولی باید آنچه را که می‌توانیم درک کنیم، بپذیریم. بهاگاوادگیتا به طور خاص برای درک ما ارائه شده است. با دریافت دانش از این طریق، باید بدانیم که کریشنا خشنود شده است، و ما باید به صورتی مطلوب طبق لذت و رضایت او خدمت کنیم. کریشناگاهی دانش عظیمی است با ادبیاتی وسیع، و ما باید برای رسیدن به بهاکتی از آنها بهره‌مند گردیم.

1- bhaktyā

2-bhaj

3- Nārada-pañcarātra: فرهنگ لغات ودایی.

4- freedom from designation

5- dāsa

6- Hṛṣīkeṇa hṛṣīkeśa-sevanam

پوروша سا پارا^۱: در آسمان روحانی، خداوند متعال به صورت شخص متعال حضور دارد. آنجا بی شمار کرات نورانی هست، و در هر یک از آنها بسطی از کریشنا اقامت دارد. آن بسطها چهار دست و دارای نام‌های بیشمارند. تمام آنان شخص هستند؛ آنان فاقد شخصیت نیستند. به این پوروشاها، یا اشخاص، از طریق بهاکتی می‌توان نزدیک شد، نه با مبارزه طلبی، پندار فلسفی، ساخته‌های ذهنی، یا تمرینات بدنی؛ تنها به وسیله‌ی خدمت عابدانه و عاشقانه، و بدون انحرافات موجود در کار برای نتیجه.

پوروشا یا شخص متعال چگونه است؟ یاسیانتاها- استهانی بهوتانی پنا ساروام ایدام تاتام^۲: تمامی موجودات زنده و همه چیز درون او است؛ و با این همه او فارق از همه، و گسترده در همه جا است. چگونه؟ درست مانند خورشید، در یک محل قرار گرفته و در عین حال به وسیله‌ی انوارش در همه جا حاضر است. هر چند خداوند در ملکوت خود (دهاما پرامام) قرار دارد، انرژی‌های او در همه جا گسترده هستند. بین خداوند و انرژی‌هایش تفاوتی نیست. مانند نور خورشید و خورشید که با یکدیگر فرقی ندارند. و به همین دلیل که کریشنا و انرژی‌های او یکسان هستند، اگر در خدمت عاشقانه پیشرفت کنیم، می‌توانیم او را همه جا ببینیم.

*premāñjana-cchurita-bhakti-vilocanena
santaḥ sadaiva hṛdayeṣu vilokayanti*

"من گویند، شخصیت اصلی خداوند را می‌پرستم، که خادمین پاک و خالص او که چشمانشان با عشق او تدهین یافته است، همواره او را درون قلبشان می‌بینند." (برهما سامهیتا ۳۸/۵)

آنان که لبریز از عشق خداوند هستند، خداوند را دائماً در مقابل خود می‌بینند. نه این که ما خدا را دیشب دیدیم و حال دیگر حاضر نیست. نه. برای کسی که خداآگاه است، کریشنا همواره حاضر و دائماً قابل رؤیت است. فقط باید چشم دیدن او را پرورش دهیم. ما به علت اسارت مادی، یعنی پوشش حواس مادی، نمی‌توانیم دریابیم که چه چیزی

1-Puruṣaḥ sa paraḥ

2- Yasyāntaḥ-sthāni bhūtāni yena sarvam idaṁ tatam

روحانی است. ولی این جهل را می‌توان با این روش ذکر هاره کریشنا از میان برداشت. چگونه چنین چیزی ممکن است؟ با ارتعاش صوتی می‌توان کسی را که خوابیده بیدار کرد. هرچند او هشیاری انجام هیچ کاری را نداشته باشد - نتواند ببیند، حس کند، بویید و غیره - ولی حس شنوایی آنقدر قوی است که می‌توان فرد خفته‌ای را فقط با ارتعاش صوتی بیدار کرد. همچنین، هر چند روح اکنون در تسلط خوابی است که از تماس با ماده پدید آمده است، می‌توان او را با این ارتعاش صوت روحانی هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا، کریشنا، هاره/هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره، دوباره بیدار کرد. هاره کریشنا در حقیقت مخاطب قرار دادن خداوند متعال و انرژی‌های او است. هاره یعنی انرژی، و کریشنا نام خداوند متعال است، پس وقتی هاره کریشنا ذکر می‌کنیم، چنین می‌گوییم: "ای نیروی خداوند، ای خداوند، خواهش می‌کنم مرا بپذیر." ما دعای دیگری نداریم که بخواهیم خدا بپذیرد. مسئله‌ی دعا برای نان روزانه مطرح نیست، چون نان همیشه هست. هاره کریشنا فقط درخواستی است از خداوند، که ما را بپذیرد. چیتانیا ماهاپرابهو چنین دعا می‌کرد:

*ayi nanda-tanuja kiñkaram
patitam mām viṣame bhavāmbudhau
kṛpayā tava pāda-pañkaja-
sthita-dhūli-sadṛśam vicintaya*

"ای پسر ماهاراج ناندا، کریشنا، من خادم ابدی تو هستم ولی با وجود این به گونه‌ای در این اقیانوس زاده شدن و فنا غوطه‌ور گشته‌ام. تمنا دارم مرا از این اقیانوس مرگ برگیر و به عنوان ذره‌ای ناچیز در قدوم نیلوفرین خود قرار ده."
(شیکشاستکا، ۵)

تنها امید کسی که در میان اقیانوس افتاده، این است که یکی بیاید و او را بیرون آورد. اگر کسی بیاید و تنها کمی او را از آب بالا بکشد، فوراً تسلی می‌یابد. ما هم اگر با روش کریشنا آگاهی، به هر نحو از اقیانوس مرگ و زندگی برگرفته شویم، فوراً تسلی می‌یابیم.

ما گرچه نمی‌توانیم طبیعت روحانی خداوند متعال، نام، شهرت و فعالیت‌های او را

درک کنیم، اگر خود را در آگاهی به خداوند استوار سازیم، به تدریج خداوند خود را برای ما آشکار خواهد ساخت. ما نمی‌توانیم خداوند را با کوشش شخصی خود ببینیم، ولی اگر خود را شایسته سازیم، خداوند خود را بر ما آشکار خواهد کرد و آنگاه ما او را خواهیم دید. کسی نمی‌تواند به خداوند امر کند که نزد او بیاید و در مقابلش برقصد، بلکه باید چنان عمل کنیم که رضایت کریشنا حاصل شود و خود را بر ما آشکار نماید.

کریشنا در بهاگاوادگیتا درباره‌ی خود برای ما سخن می‌گوید، و شکی در گفته‌های او وجود ندارد. فقط باید آن را احساس و ادراک کنیم. هیچ صلاحیت اولیه‌ای برای درک بهاگاوادگیتا لازم نیست، زیرا بهاگاوادگیتا از سکوی مطلق بیان شده است. روند ساده‌ی ذکر نام‌های خداوند، گام به گام بر ما آشکار می‌کند که: من کی هستم، خدا چیست، دنیا‌های مادی و روحانی چه هستند، چرا ما مقید شده‌ایم، چگونه می‌توانیم از این قید آزاد شویم، و غیره. در واقع، روش ایمان و دریافت برای ما بیگانه نیست. ما هر روز ایمان خود را بر چیزی قرار می‌دهیم که مطمئن هستیم بعداً تحقق خواهد یافت. مثلاً بلیطی برای رفتن به هندوستان می‌خریم، و با داشتن بلیط ایمان داریم که به آنجا برده خواهیم شد. چرا برای بلیط پول می‌پردازیم؟ ما بی‌دلیل پول به هرکسی نمی‌دهیم. آن شرکت معتبر است و آن خط مسافربری صلاحیت دارد، پس در ما ایمان بوجود می‌آید. بدون ایمان نمی‌توانیم حتی یک قدم در مسیر زندگی روزانه برداریم. ما باید ایمان داشته باشیم، ولی ایمان باید به چیزی باشد که معتبر است. نه این که ایمان کورکورانه داشته باشیم، بلکه آنچه را که شناخته شده است، قبول می‌کنیم. بهاگاوادگیتا را تمام اقشار مردم هندوستان به عنوان کتاب مقدس به رسمیت شناخته و پذیرفته‌اند؛ و تا آنجا که به خارج از هندوستان مربوط می‌شود، دانش پژوهان، دین‌شناسان و فلاسفه‌ی متعددی، بهاگاوادگیتا را به عنوان اثری عظیم و معتبر قبول دارند. هیچ شکی در اعتبار بهاگاوادگیتا وجود ندارد. حتی دانشمند بزرگی همچون پروفیسور آلبرت اینشتین، مرتب بهاگاوادگیتا می‌خواند.

از بهاگاوادگیتا باید بپذیریم که جهانی روحانی وجود دارد، جایی که ملکوت خداوند است. اگر ما را به کشوری ببرند، و بگویند که دیگر دستخوش تولد، پیری، بیماری و مرگ نخواهیم شد، خوشحال نمی‌شویم؟ اگر درباره‌ی چنین جایی بشنویم، به طور قطع

حداکثر سعی خود را می‌کنیم که به آنجا برویم. هیچ کس نمی‌خواهد پیر شود و هیچ کس هم نمی‌خواهد بمیرد. به طور قطع رفتن به جایی که عاری از چنین رنج‌هایی باشد، آرزوی قلبی ما است. چرا چنین چیزی را می‌خواهیم؟ چون این حق ما است. ما جاودان، پر از شغف، و مملو از دانش هستیم. ولی به علت این پوشش ناشی از اسارت مادی، خودمان را فراموش کرده‌ایم. به‌گاه‌وادگیتا این امکان را به ما می‌دهد که بتوانیم موقعیت اصلی خود را مجدداً احیا کنیم.

پیروان شانکارا و بودا ادعا می‌کنند که جهان ماوراء خالی و خلاء است. ولی به‌گاه‌وادگیتا این چنین ما را دلسرد نمی‌کند. فلسفه‌ی پوچ‌گرایی فقط عده‌ای خدانشناس به وجود آورده است. ما موجوداتی روحانی و طالب لذت هستیم؛ و اگر آینده‌مان را خلاء فرض کنیم، به لذت بردن از این زندگی مادی کشیده می‌شویم. بدین ترتیب بی‌هویت‌گرایان با طرح فلسفه‌ی خلأگرایی^۱، سعی دارند تا آنجا که ممکن است از این زندگی مادی لذت ببرند. انسان ممکن است از این پندارها لذت ببرد، ولی هیچ نفع روحانی‌ای از آن حاصل نمی‌شود.

*brahma-bhūtaḥ prasannātmā
na śocati na kāṅkṣati
samaḥ sarveṣu bhūteṣu
mad-bhaktim labhate parām*

"کسی که بدین‌سان در موقعیت روحانی قرار گرفته است، بی‌درنگ برهنه متعال را ادراک می‌کند و کاملاً شادمان و مسرور می‌گردد. او افسوس چیز از دست‌رفته را نمی‌خورد و آرزوی کسب چیزی را در سر نمی‌پروراند. تمایل او نسبت به تمام موجودات زنده یکسان است. در این مرحله او به خدمت عابدانه پاک من می‌رسد." (ب.گ. ۵۴/۱۸)

کسی که در زندگی عابدانه پیشرفت کرده است و از خدمت به کریشنا لذت می‌برد، خود به خود از دل‌بستگی به لذات مادی رها می‌شود. نشانه‌ی انسانی که در بهاکتی جذب شده، این است که او کاملاً با کریشنا راضی است.

فصل پنجم

معاشرت با کریشنا

اگر انسان چیزی اعلا به دست آورد، به طور طبیعی تمام چیزهای پست‌تر را رها می‌کند. ما لذت می‌خواهیم، ولی فلسفه‌های بی‌هویت‌گرایی و پوچ‌گرایی چنان فضایی ایجاد کرده‌اند که به لذات مادی معتاد شده‌ایم. لذت باید در رابطه با شخص متعال (پورو‌شا سا پارا)^۱ باشد؛ کسی که می‌توانیم او را رودررو ببینیم. در ملکوت روحانی می‌توانیم شخصاً با خداوند صحبت کنیم، با او بازی کنیم، غذا بخوریم، و غیره. همه‌ی اینها با بهاکتی، خدمت عاشقانه‌ی روحانی، قابل حصول است. ولی این خدمت باید بدون تقلب باشد، یعنی باید بدون چشمداشت به پاداش مادی به خداوند عشق بورزیم. عشق ورزیدن به خداوند برای یکی شدن با او هم نوعی تقلب است.

یکی از تفاوت‌های عمده‌ی ملکوت روحانی و دنیای مادی این است که در ملکوت روحانی رئیس یا فرمانده‌ی سیارات روحانی رقیبی ندارد. در تمام موارد، شخصیت حاکم بر سیارات روحانی یک بسط کامل شری کریشنا است. خداوند متعال و تجلیات متعدد او بر تمام کرات و ایکونتا^۲ حکمرانی می‌کنند. مثلاً در کره‌ی زمین رقابت برای مقام ریاست جمهوری و یا نخست‌وزیری جریان دارد، در حالی که در جهان روحانی، همه شخصیت اعلا‌ی خداوند را به عنوان مرجع متعال می‌شناسند. آنان که او را به رسمیت نمی‌شناسند، و با او قصد رقابت دارند، به جهان مادی فرستاده می‌شوند که درست مانند یک زندان است. همان‌طور که در هر شهری یک زندان هست، و زندان بخش ناچیزی از کل شهر را تشکیل می‌دهد، دنیای مادی نیز زندانی برای ارواح مقید است و بخش ناچیزی از

1-*puruṣaḥ sa paraḥ*

2-*Vaikunṭha*

آسمان روحانی را تشکیل می‌دهد. ولی این دنیا خارج از آسمان روحانی نیست، درست همان‌طور که زندان خارج از شهر نیست.

همه‌ی ساکنان سیارات وایکوتتا در آسمان روحانی، ارواح رهاشده هستند. ما از شریما دبه‌گاتا^۱ مطلع می‌شویم که شکل کالبدی آنان دقیقاً مانند خداوند است. خداوند در بعضی از این سیارات با دو دست و در سیارات دیگر با چهار دست متجلی گردیده است. ساکنان این سیارات نیز مانند خداوند متعال با دو یا چهار دست متجلی می‌شوند و گفته شده که نمی‌توان آنان را از شخص متعال تمیز داد. در جهان روحانی پنج نوع رستگاری (رهایی) وجود دارد: سایوجیا موکتی^۱ نوعی رستگاری (رهایی) است که فرد در موجودیت فاقد شخصیت خداوند متعال یعنی برهمن^۲ غرق می‌شود. شکل دیگر رستگاری (رهایی) سارویپا موکتی^۳ است، که به موجب آن ویژگی‌های همانند ویژگی‌های خداوند می‌یابد. نوع دیگر سالوکیا موکتی^۴ است که می‌تواند با خداوند در یک سیاره زندگی نماید. با سارشتی موکتی^۵ فرد می‌تواند توانگری‌هایی مانند خداوند را دارا باشد. و نوع دیگر، او را قادر می‌سازد همواره به عنوان یکی از معاشران خداوند باقی بماند، درست مانند آرجونا، که همواره به عنوان یک دوست با کریشنا است. می‌توان به هریک از این پنج نوع رستگاری دست‌یافت؛ ولی در میان آنها، سایوجیا موکتی، یعنی یکی شدن با جنبه‌ی فاقد شخصیت خداوند، را عابدین وایشناوا نمی‌پذیرند. یک وایشناوا آرزو می‌کند خداوند را همان‌گونه که هست بپرستد، و شخصیت مجزای خود را برای خدمت به او حفظ نماید. درحالی‌که فلاسفه‌ی بی‌هویت‌گرای مایاوادی می‌خواهند فردیت خود را از دست بدهند و با موجودیت متعال یکی شوند. این یکی شدن را نه شری کریشنا در بهاگوادگیتا توصیه کرده، و نه سلسله‌ی پیران فلاسفه‌ی وایشناوا. حضرت چیتانیا ماهاپرابهو در این مورد در شیکشاشتاکای خود چنین نوشته است:

1- sāyujya-mukti

2- Brahman

3- sārūpya-mukti

4- sālōkya-mukti

5- sārṣṭi-mukti

*na dhanam na janam na sundarim
kavitam va jagad-isa kamaye
mama janmani janmaniśvare
bhavatad bhaktir ahaituki tvayi*

"ای قادر متعال، من به هیچ وجه آرزوی گردآوری ثروت و دست‌یازی به زیبارویان را ندارم، همچنین طالب مرید نیز نمی‌باشم. تنها خواسته‌ام انجام خدمت عابدانه بی‌چون و چرای تو زندگی پس از زندگی است." (شیکشاستکا، ۴)

اینجا چیتانیا ماهاپرابهو به زندگی پس از زندگی اشاره می‌کند. وقتی تولدهای پیاپی وجود دارد، رهایی در بین نیست. با رهایی، شخص یا به سیارات روحانی نائل می‌شود و یا غرق در موجودیت متعال می‌گردد؛ در هر دو صورت تولد مجدد در دنیای مادی مطرح نیست. ولی چیتانیا ماهاپرابهو اهمیت نمی‌دهد که رها بشود یا نه، توجه او تنها به مشغول بودن در کریشناآگاهی، خدمت به خداوند متعال است. یک عابد اهمیت نمی‌دهد که کجا باشد، برای او اهمیت ندارد که در اجتماع حیوانات، انسان‌ها، فرشتگان و یا هر اجتماع دیگری تولد بیابد، او تنها دعا می‌کند که خداوند را فراموش نکند و همواره بتواند به خدمت روحانی او مشغول شود. اینها نشانه‌های عشق و عبودیت پاک است. البته یک عابد، هر جا که باشد، در قلمرو روحانی باقی می‌ماند، حتی هنگامی که در این بدن مادی است. ولی از خداوند هیچ چیزی برای راحتی و یا ارتقای شخصی خود نمی‌خواهد. هرچند شری کریشنا می‌گوید که برای کسی که در خدمت او قرار دارد، به آسانی در دسترس است، اما برای یوگی‌هایی که روش‌های دیگر یوگا را تمرین می‌کنند، همواره خطر وجود دارد. او در بهاگاوادگیتا، در مورد زمان مناسب ترک بدن زمخت، آنها را راهنمایی کرده است:

*yatra kale tv anavrttim
avrttim caiva yoginah
prayata yanti tam kalam
vakshyami bharatarśabha*

"ای بهترین بهاراتاها، اینک برایت زمان‌های مختلفی را توضیح خواهم داد که

یوگی با درگذشت از این دنیا در آن لحظات، ممکن است دوباره به این جهان باز گردد یا باز نگردد." (ب.گ. ۲۳/۸)

کریشنا در اینجا اشاره می‌کند که اگر کسی بتواند در زمان معینی بدن خود را ترک نماید، می‌تواند رها شود و هیچ‌گاه به این دنیای مادی باز نگردد. از طرف دیگر می‌گوید اگر در زمان دیگری بمیرد باید دوباره بازگردد. اینجا شانس مطرح است. ولی برای ابدی که همواره در کریشناگاهی به سر می‌برد هرگز مسئله‌ی شانس وجود ندارد. چراکه ورود او به ملکوت کریشنا به علت عبودیت و عشق او به خداوند تضمین شده است.

*agnir jyotir ahaḥ śuklah
ṣaṅ-māsā uttarāyaṇam
tatra prayātā gacchanti
brahma brahma-vido janāḥ*

"کسانی که برهنه متعال را می‌شناسند، با رحلت از این جهان در هنگام نفوذ الهه‌ی آتش، در نور، در لحظه‌ای خجسته از روز، در دو هفته‌ای که ماه رو به بدر می‌رود، و در شش ماهی که خورشید در شمال حرکت می‌کند، به آن متعال واصل می‌شوند." (ب.گ. ۲۴/۸)

خورشید شش ماه را در شمال خط استوا و شش ماه را در جنوب آن می‌گذراند. از شریما دبه‌اگاتا تام می‌دانیم که همان‌طور که کرات حرکت می‌کنند، خورشید نیز حرکت می‌کند. اگر یوگی در هنگامی بمیرد که خورشید در نیمکره‌ی شمالی واقع است، به رهایی می‌رسد.

*dhūmo rātris tathā kṛṣṇaḥ
ṣaṅ-māsā dakṣiṇāyaṇam
tatra cāndramasam jyotir
yogī prāpya nivartate*

*śukla-kṛṣṇe gatī hy ete
jagataḥ śāśvate mate
ekayā yāty anāvṛttim
anyayāvartate punaḥ*

"حق جویی که این جهان را هنگام شب، دود و در دو هفته‌ای که ماه از بدر خارج می‌شود، یا شش ماهی که خورشید از جنوب می‌گذرد، ترک گوید به کره‌ی ماه نائل می‌شود، ولی دوباره باز می‌گردد. بر اساس نظر وداها دو طریق درگذشت از این جهان وجود دارد: یکی در نور و روشنایی و دیگری در تاریکی و ظلمت. هنگامی که شخص در نور در می‌گذرد به این جهان باز نمی‌گردد، اما وقتی در تاریکی رحلت می‌کند به آن باز می‌گردد." (ب.گ. ۲۵/۸-۲۶)

این کاملاً تصادفی است. ما نمی‌دانیم کی خواهیم مرد، و ممکن است تصادفاً هر زمانی بمیریم. ولی برای یک بهاکتی یوگی که در آگاهی به خداوند استوار است، مسئله‌ی تصادف مطرح نیست. او همیشه مطمئن است.

*naite sṛtī pārtha jānan
yogī muhyati kaścana
tasmāt sarveṣu kāleṣu
yoga-yukto bhavārjuna*

"ای آرژونا، عابدانی که به این دو راه واقف هستند، هیچگاه گمگشته و سرگردان نمی‌شوند. بنابراین همواره در عشق و عبودیت ثابت باش." (ب.گ. ۲۷/۸)

قبلاً تأیید گردید که اگر کسی بتواند در هنگام مرگ به فکر کریشنا باشد، بی‌درنگ به ملکوت کریشنا منتقل می‌گردد.

*anta-kāle ca mām eva
smaran muktvā kalevaram
yaḥ prayāti sa mad-bhāvaṁ
yāti nāsty atra saṁśayaḥ*

*abhyāsa-yoga-yuktena
cetasā nānya-gāminā
paramam puruṣam divyam
yāti pārthānucintayan*

"و هر کسی که در لحظه‌ی پایان زندگی، تنها مرا به خاطر آورد و بدنش را ترک گوید، بی‌درنگ به طبیعت من واصل می‌گردد و جای هیچ‌گونه تردید در این باره نیست. ای پارتها، آن کس که بر من به عنوان شخصیت اعلای پروردگار تمرکز می‌نماید، و همواره به یاد من است، و از این راه انحراف حاصل نمی‌کند، یقیناً به من نائل خواهد شد." (ب.گ. ۵/۸ و ۸)

ممکن است چنین تمرکزی بر کریشنا به‌نظر مشکل بیاید، ولی این طور نیست. اگر کسی با ذکر ماهاماترا، "هاره کریشنا، هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/هاره هاره راما، هاره راما، راما، هاره هاره"، کریشنا‌آگاهی را تمرین کند، فوراً به او کمک خواهد شد. کریشنا و نام او یکسان هستند، و کریشنا و ملکوت متعال او نیز با یکدیگر تفاوتی ندارند. با ارتعاش صوتی می‌توانیم از معاشرت کریشنا برخوردار شویم. مثلاً اگر در خیابان هاره کریشنا ذکر کنیم، خواهیم دید که کریشنا با ما می‌آید، درست مثل وقتی که به بالا نگاه می‌کنیم و ماه را بالای سر خود می‌بینیم، متوجه می‌شویم که ماه همراه ما می‌آید. اگر به نظر می‌رسد انرژی پست‌تر کریشنا با ما می‌آید، آیا برای کریشنا ممکن نیست هنگامی که نام‌هایش را ذکر می‌کنیم همراه ما بیاید؟ او همراه ما می‌آید، ولی ما باید شایستگی همراهی او را داشته باشیم. اگر همیشه غرق در فکر او باشیم، باید خیالمان آسوده باشد که کریشنا همواره با ما هست. چیتانیاماهاپرابهو چنین دعا می‌کند:

*nāmnām akāri bahudhā nija-sarva-śaktis
tatrārpitā niyamitaḥ smarāṇe na kālaḥ
etādṛṣī tava kṛpā bhagavan mamāpi
durdaivam idṛṣam ihājani nānurāgaḥ*

"ای پروردگار من، نام مقدس تو به تنهایی می‌تواند تمامی لطف و رحمت

ممکن را برای تمام موجودات زنده به ارمغان آورد و به همین دلیل است که تو صدها و میلیون‌ها نام نظیر کریشنا و گوویندا داری. در این نام‌های روحانی‌ات، تمام نیروهای روحانی خود را ذخیره کرده‌ای، ولی با وجود این برای ذکر نام‌های تو قواعد مشکلی وضع نگردیده است. آه پروردگار من به خاطر رأفت و محبت ما را قادر ساخته‌ای با ذکر نام‌های مقدست به سادگی به تو نزدیک گردیم، ولی من به قدری سیه‌بختم که هیچ‌گونه کشتی برای ذکر نام‌های مقدست احساس نمی‌کنم." (شیکشاشتاگا، ۲)

صرفاً با ذکر کردن می‌توانیم از تمامی امتیازات معاشرت با کریشنا برخوردار شویم. حضرت چیتانیا ماهاپرابهو، که نه تنها یک روح خودشناخته، بلکه ظهور خود خداوند محسوب می‌شود، می‌گوید که در این عصر کالی هر چند مردم امکانات لازم برای خودشناسی را ندارند، ولی خداوند آن قدر مهربان است که این شابد^۱ (ظهور به صورت صوت) را اعطاء فرموده است تا به عنوان یوگا-دارما^۲، یا راه آگاهی به خداوند برای این عصر، بکار گرفته شود. برای این روش هیچ صلاحیت خاصی لازم نیست؛ حتی لازم نیست که سانسکریت بدانیم. ارتعاشات هاره کریشنا چنان نیرومند است که هرکسی می‌تواند فوراً شروع به ذکر کند، بدون هیچ دانشی از سانسکریت.

*vedeṣu yajñeṣu tapahsu caiva
dāneṣu yat puṇya-phalaṁ pradiṣṭam
atyeti tat sarvām idam veditvā
yogī param sthānam upaiti cādyam*

"کسی که راه خدمت عابدانه و عاشقانه را پذیرا می‌شود، از نتایج حاصل از مطالعه‌ی وداها، از انجام قربانی‌های سخت، از دادن صدقه و دنبال کردن کارهای فلسفی و اعمال ثمرجویانه محروم نمی‌ماند. سرانجام او به منزلگاه متعال می‌رسد." (ب.گ. ۲۸/۸)

1- śabda

2- yuga-dharma

اینجا کریشنا می‌فرماید که هدف کلیه‌ی تعالیم ودایی رسیدن به مقصود نهایی زندگی، یعنی بازگشت به خداوند است. هدف تمام کتب مقدس نیز، در تمام کشورها، همین است. این پیغام تمام پیشوایان مذهبی یا آچارها، نیز بوده است. مثلاً در غرب حضرت عیسی مسیح همین پیام را پخش کرد. همین‌طور حضرت بودا و حضرت محمد(ص) نیز همین رسالت را برعهده داشتند. هیچ‌یک توصیه نمی‌کنند که این دنیای مادی را اقامتگاه دائمی خود سازیم. ممکن است برحسب کشور، زمان و موقعیت، و طبق دستورات کتب مقدس، تفاوت‌های کوچکی وجود داشته باشد، ولی آن اصل اساسی را - که ما نه متعلق به این دنیای مادی، که متعلق به جهان روحانی هستیم - تمام روحانیون حقیقی پذیرفته‌اند. تمام نشانه‌ها برای رضایت درونی‌ترین خواسته‌های روح ما، به آن جهان‌های کریشنا، در آن سوی تولد و مرگ اشاره می‌کنند.

درباره‌ی نویسنده

۱. چ. بهاکتی‌ودانتا سوامی پرابهوپاد^۱ با شهرت جهانی "شریلا پرابهوپاد"^۲ در ۱۸۹۶ در کلکته‌ی هندوستان پا به عرصه‌ی این جهان نهاد. در ۱۹۲۲، در اولین ملاقات با پیر روحانی خود، "شریلا بهاکتی سیده‌هانتا ساراسواتی گوسوامی"^۳، وی از شریلا پرابهوپاد خواست تا نسبت به اشاعه‌ی دانش ودایی در جهان غرب اقدام کند. شریلا پرابهوپاد شاگردی او را پذیرفت و یازده سال بعد در الله‌آباد مرید تشریف‌یافته‌ی وی شد. در سال‌های بعد وی شرحی بر بهاگاواد-گیتا نگاشت و در ۱۹۴۴ بدون هیچ کمکی، انتشار مجله‌ی "بازگشت به نزد خدا"^۴ را به زبان انگلیسی، هر دو هفته یک‌بار، آغاز کرد. انتشار این مجله پس از آغاز هیچ‌گاه قطع نشد و هم اکنون نیز توسط مریدان ایشان به بیش از سی زبان منتشر می‌شود.

به منظور قدردانی از دانش فلسفی و عبودیت شریلا پرابهوپاد، انجمن "گودیا وایشناوا"^۵ در ۱۹۴۷ او را به لقب "بهاکتی‌ودانتا"^۶ مفتخر ساخت. در ۱۹۵۰ شریلا پرابهوپاد در سن پنجاه و چهار سالگی از زندگی خانوادگی کناره گرفت و چهار سال بعد مرحله‌ی "واناپراستها"^۷ (بازنشستگی) را اختیار نمود تا زمان بیشتری را وقف مطالعات و نگارش کند. شریلا پرابهوپاد به شهر مقدس و رینداون عزیمت کرد و در معبدی تاریخی و متعلق به قرون وسطی به نام "رادها دامودارا"^۸ سکنا گزید. او در آنجا چند سالی را به مطالعه‌ی عمیق و نگارش سپری کرد. شریلا پرابهوپاد در رادها دامودارا شاهکار زندگی خود یعنی

-
- 1- A.C. Bhaktivedanta Swami Prabhupada
 - 2- Srilla Prabhupada
 - 3- Srila Bhaktisidhanta Sarasvati Gosvami
 - 4- Back to Godhead
 - 5- Gaudya Vaisnava
 - 6- Bhaktivedanta
 - 7- vanaprastha
 - 8- Radha Damodara

ترجمه و شرح چندین جلدی هجده‌هزار آیه‌ی شریما‌د بها‌گاو‌تام^۱ را آغاز نمود و سرانجام در ۱۹۵۹ مرحله‌ی انقطاع از زندگی (سانیا‌سا^۲) را پذیرا گردید.

شریلا پرابهوپاد در ۱۹۶۵ با کشتی باری و عملاً دست خالی به آمریکا رسید. یک سال بعد انجمن بین‌المللی کریشنا‌آگاهی را بنیان نهاد. او تا پیش از ترک این دنیا (۱۴ نوامبر ۱۹۷۷) هدایت این انجمن را بر عهده داشت و انجمن تحت هدایت دقیق وی در مدت ده سال به یک انجمن جهانی با حدود یک‌صد "آشراما"^۳، مدرسه، معبد، مؤسسه و مجتمع کشاورزی تبدیل و توسعه یافت. اما مهم‌ترین هدیه‌ی شریلا پرابهوپاد به جهان، کتاب‌های وی است. این کتاب‌ها از طرف جوامع علمی به دلیل اعتبار، عمق و روشنی مورد احترام بسیار است و در دروس متعدد دانشگاهی به عنوان کتب درسی استاندارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نوشته‌های وی به بیش از هفتاد و هشت زبان رایج ترجمه شده است. "انتشارات بهاکتی ودانتا"^۴ که در ۱۹۷۲ به طور اختصاصی برای چاپ آثار شریلا پرابهوپاد تأسیس شد، به‌عنوان بزرگ‌ترین ناشر جهان در زمینه‌ی کتاب‌های دینی و فلسفی هند محسوب می‌گردد.

به‌رغم سن زیاد، شریلا پرابهوپاد در عرض فقط دوازده سال، برای ایراد سخنرانی در شش قاره جهان، چهارده بار به گرد جهان سفر نمود و با وجود چنین برنامه‌ی سنگینی، تا پایان عمر، فعالانه به نگارش ادامه داد. وی بیش از شصت جلد ترجمه، شرح و خلاصه‌های معتبر و موثق بر ادبیات فلسفی و مذهبی هند نگاشت. نوشته‌های وی یک تشکیل‌دهنده‌ی کتابخانه‌ای پُر بار از فرهنگ، ادبیات، مذهب و فلسفه‌ی ودایی است.

1- Srimad Bhagavatam

2- sannyasa

3- āśramas

4- Bhaktivedanta Book Trust

واژه‌نامه

Om (Om̐kāra) (اُمکارا)

هجای مقدس که مظهر حقیقت مطلق است.

Brahmā

برهما

اولین موجود زنده‌ی خلق شده و خالق ثانوی جهان مادی. تحت هدایت خداوند متعال، ویشنو، او تمام گونه‌های مختلف حیاتی در جهان را به وجود می‌آورد. ۱۲ ساعت برهما معادل ۴۳۲۰۰۰۰۰۰۰ سال زمینی است، و مدت عمرش که صد سال است به ۳۱۵ تریلیون سال زمینی می‌رسد.

Brahmajyoti

برهماجیوتی

تابش روحانی که از بدن شخصیت اعلای خداوند کریشنا ساطع می‌شود و ملکوت روحانی را روشن می‌کند.

Brahma-samhitā

برهما - سامهیتا

رساله‌ای بسیار کهن به زبان سانسکریت، که مجموعه‌ی نیایشهای برهما به خداوند متعال، گوویندا، است. این متن را حضرت چیتانیا ماهاپراپهو در معبدی در جنوب هند پیدا کرد.

Brahmaloka

برهما لوکا

اقامتگاه خداوندگار برهما و برترین سیاره در این جهان مادی.

Bhakta

بهاکتا

عابد و فدایی خداوند، کسی که به خدمت عابدانه و عاشقانه به خداوند متعال مشغول است.

بهاکتی

Bhakti

خدمت عابدانه و عاشقانه به خداوند متعال.

بهاگاوادگیتا

Bhagavad-gītā

منظومه‌ای از تعالیم مقدس که کریشنا، شخصیت اعلای خداوند، در میدان جنگ کوروکشترا به عابد صمیمیش آرجونا داده است. خداوند کریشنا در این تعالیم راه کامل خودشناسی در این عصر تاریک نزاع و نفاق را، با شناخت حقیقت مطلق و انجام خدمت عابدانه به خداوند، به طرز علمی شرح می‌دهد. این کتاب در سراسر جهان به عنوان جوهر دانش ودایی شهرت به‌سزایی دارد. ترجمه و شرح شریلاپرابهوپاد بر آن با نام "بهاگاوادگیتا، همان‌گونه که هست" به فارسی منتشر شده است.

بهاگان

Bhagavān

"کسی که صاحب تمام توانگری‌ها است"، یعنی خداوند متعال که سرچشمه‌ی مطلق زیبایی، قدرت، شهرت، ثروت، دانش، و انقطاع است.

پراکرتی

Prakṛti

طبیعت مادی، انرژی خداوند متعال. عنصر مؤنث. دو نوع پراکرتی وجود دارد: *para-prakṛti*: طبیعت مادی، و *para-prakṛti*: طبیعت روحانی (موجود زنده). که شخصیت اعلای خداوند بر هر دوی آنها مسلط است.

پوروша

Puruṣa

مذکر، لذت‌برنده؛ هم به روح فردی و هم به خداوند متعال اطلاق می‌شود.

چیتانیا چاریتامرتا

Caitanya-caritāmṛta

"نهاد موجود زنده در جاودانگی". عنوان زندگی‌نامه‌ی حضرت چیتانیا ماهاپرابهو است. شریلا کریشناداسا کاویراج گوسوامی آن را در اواخر سده‌ی شانزدهم گردآوری کرد. این کتاب، که به زبان بنگالی به همراه بسیاری آیات سانسکریت نوشته شده است، حاوی آموزش‌ها و وقایع زندگی چیتانیا ماهاپرابهو است، و معتبرترین کتاب درباره‌ی زندگی و آموزش‌های او به‌شمار می‌رود.

چیتانیا ماهاپرابهو Caitanya Mahāprabhu

ظهور خداوند کریشنا به شکل عابد و فدایی خود. او در ناوادوپ، بنگال غربی، ظهور کرد (۱۴۸۶ تا ۱۵۳۴ میلادی)، و ذکر دسته‌جمعی نام‌های مقدس خداوند را برپا نمود، تا عشق پاک به خداوند را اشاعه دهد. گودیا وایشناواها (Gauḍīya Vaiṣṇava) او را خود کریشنا می‌دانند.

روپا گوسوامی Rūpa Gosvāmī

رهبر شش گوسوامی ورینداوان که پیروان اصلی حضرت چیتانیا ماهاپرابهو هستند و مأموریت اشاعه‌ی فلسفه‌ی کریشناگاهی را برعهده داشتند. او متون مقدس را با وسعت زیادی مورد مطالعه و تحقیق قرار داد و فلسفه‌ای را که چیتانیا ماهاپرابهو آموزش داده بود بر پایه‌ای مستحکم استوار کرد.

شریماد بهاگواتام Śrīmad-Bhāgavatam

یکی از هجده پورانا، و بالاترین آنها، که به "پورانای بدون نقص" معروف است و دانش کامل شناخت شخصیت اعلا‌ی خداوند و مقام متعال او است. این گنجینه‌ی معارف را پنج‌هزارسال پیش شریلاویاسادو، به ویژه برای مردم این عصر تاریک نزاع و نفاق، به رشته‌ی تحریر درآورده است.

کریشنالوکا Kṛṣṇaloka

ملکوت اعلا‌ی خداوند کریشنا.

مانترا Mantra

صوت متعال یا سرود روحانی ودایی.

مایا Māyā

توهم. آنچه که نیست. انرژی خداوند متعال که موجودات زنده را به سوی فراموشی از سرشت روحانشان و غفلت از خدا سوق می‌دهد.

Mukti

موکتی

رهایی روح مقید از آگاهی و اسارت موجودیت مادی.

Vaiṣṇava

وایشناوا

عابد و فدایی خداوند متعال.

Vaikunṭha

وایکونتا

مکان فارغ از اضطراب. سیارات جاودان ملکوت روحانی که ورای دنیای مادی قرار دارند.

Veda

ودا

دانش. خرد جاودانی که شریلا ویاسادو برای ارتقای تدریجی تمام بشریت از اسارت در دنیای مادی به رستگاری گردآوری کرده است. پیامی که از ملکوت روحانی به شکل صوت به این دنیای مادی آمده است، ودا نام دارد. وداها کلمات خود خداوند هستند و جاودانند. خداوند کریشنا، در آغاز وداها را بر برهما - اولین موجود زنده - آشکار کرد، و این دانش توسط او از طریق سلسله‌ی متصل پیران در اختیار ارواح دیگر قرار داده می‌شود. شریلا ویاسادو حدود پنج هزار سال پیش ودای یگانه را به چهار بخش، به نام‌های ریگ ودا، یاجور ودا، ساما ودا، و آتهاروا ودا، تقسیم کرد تا مردمان کم‌خردتر نیز از امکان فهم آن برخوردار شوند. ویاسادو که توسط خداوند قدرتمند شده بود، مسئولیت شرح تفصیلی وداها را در هجده پورانا و ماهابهاراتا برعهده گرفت، و سپس دوباره تمام وداها را در ودانتاسوترا خلاصه کرد. با این همه هنوز از انجام این کار ادبی عظیم راضی نبود، به همین جهت به امر پیر روحانی خود، حضرت نارادامونی، به نوشتن شریمادبهاگواتام پرداخت که "میوه‌ی رسیده‌ی دانش ودایی" به‌شمار می‌رود.

قاعده‌ی ارجاع به منابع در متن

۱- ب.گ. مخفف "بهاگاواد-گیتا" و در ارجاع به آن، از راست به چپ، ابتدا شماره‌ی فصل و سپس شماره‌ی آیه یا آیات نوشته شده است. مانند: (ب.گ. ۲/۱۶) یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۱۶، آیه ۲؛ (ب.گ. ۸/۱۳-۱۲) یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۱۳، آیات ۸ الی ۱۲؛ (ب.گ. ۷، ۴/۵) یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۵، آیات ۴ و ۷.

۲- ش.ب. مخفف "شریماد- بهاگاواتام" و در ارجاع به آن، از راست به چپ، ابتدا شماره‌ی کنتو و سپس شماره‌ی فصل و آن‌گاه شماره‌ی آیه یا آیات نوشته شده است. مانند: (ش.ب. ۵/۲/۴) یعنی شریماد- بهاگاواتام، کنتوی ۴، فصل ۲، آیه ۵. سایر موارد نیز مشابه مثال بالاست.

۳- در ارجاع به سایر آثار ودایی نیز همین قاعده رعایت شده است.